

وستنیی ف ۲۳

نیز نک دین، ابزارهای آشونان و آرشاران
و تبریثان، مراسم تئیه آب زور، نیز نگهیهای
اور ویس گاه و خزان

پکوش

دکتر ماهیار نوابی دکتر حسیر و جاماس پسا

و با همکاری فته

دکتر محمود طاوسی



از انتشارات
موزه آسیایی «دانشگاه پکن» پکن
شیراز

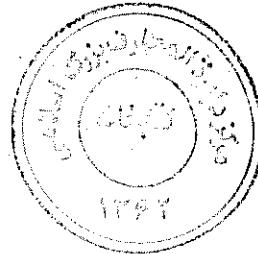
IR

PIR 2049

P9.1249Y

R2N9

M.2



۱۳۹۴۳۳

از این کتاب یکهزار نسخه، یکصد نسخه روی کاغذ شفاف رنگی و نهصد نسخه روی کاغذ سفید
در چاپخانه دانشگاه بهلوی بچاپ رسیده ۳۵۳۵ شاهنشاهی

سر آغاز

اشارات و انشیان و فلسفه ایوانی پژوه ابوریحان بروینی و محمد ذکریای سلز و شجاعیان
سهوور در حکمت خسروانی و فلسفه ایرانی، تذکر پیشیوسر و مردم باره استفاده هر مردم پیش از آن
ذکر آنها را نوشته، مطالعه کرد کتاب احصار قابر را نشانه چون مروج الذهب، محمد رسولخان و
نامه های عزیزان بنی اسرائیل و احادیث اسلام را آمده است، و جو موکلم علم در دین و روح
و تفیعون و جذب شاپور، ترجمه ناصر بازمانده عربی (زبان) هکلوس پیدا شد ایش نشانه فلسفه
و اندیشه مندان بین دو ایام و دو لان طلاقی اسلام، یعنی در زمان خلافت عباسیان، زبان
سرمین، که شاه آنها را نشاند از هر کیمی کششونها اسلام دیگر و بلکه از همه دنیا و هر چیز است.

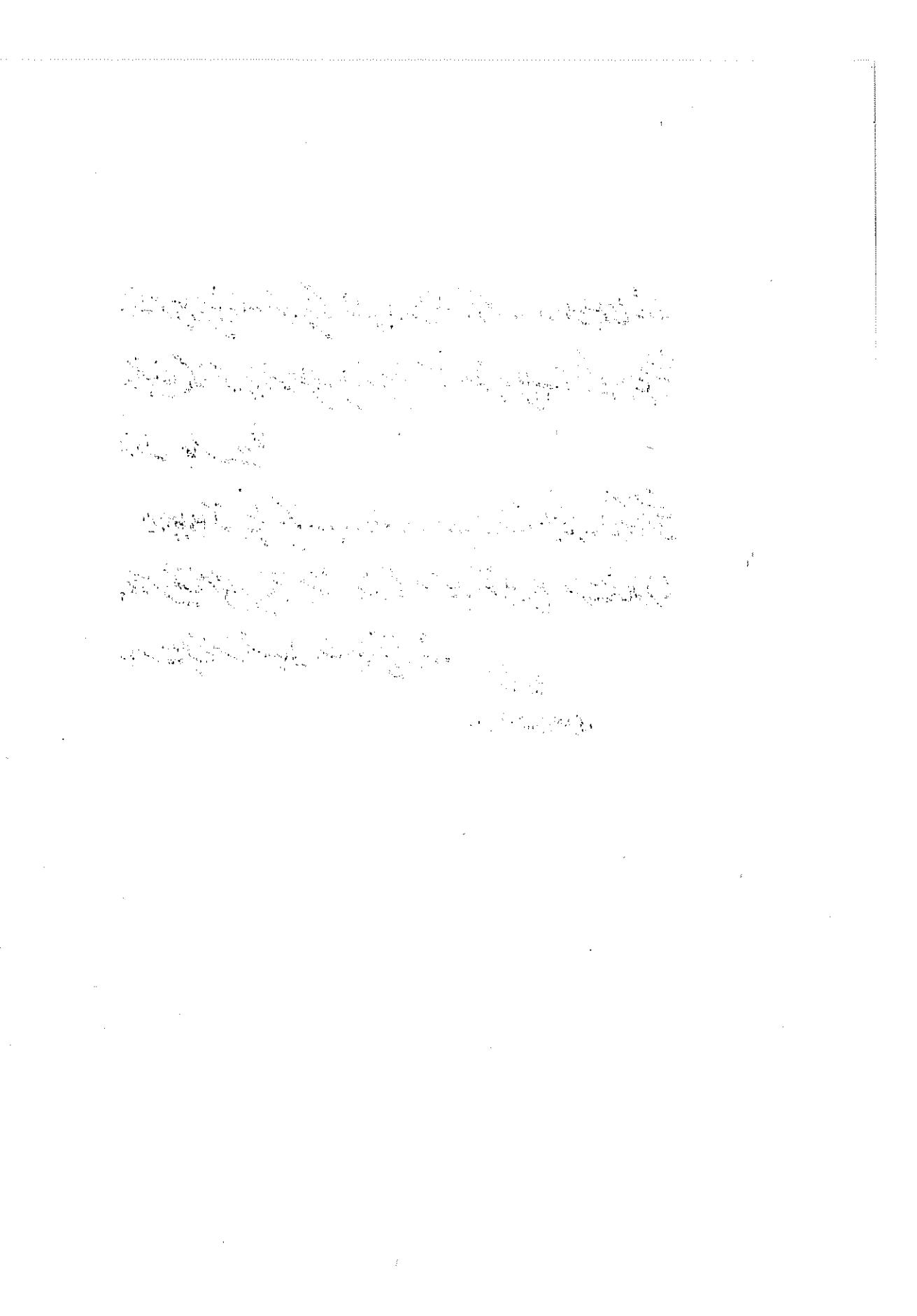
و جو دستگذشت شده همراه با کششانه و پارسیانه و پارسی، نامه میوزرا است، آثار بازمانده
ماند پاکیزه زبانها را پرسیک و پکلوازیک و سعدروزیک و چینی و قبطی و کتابهای خلپور را پرسیک
چند که تاکنون بجا نداشده اند، بهم دلالت بر جو دفتر گذشتندی بزرگ و درخشان، از دیر باز،
در سر زمین ایران بزرگ میکند که بر پایه های فرضی ایرانی استوار بودست.

علت هرچه باشد، سیاسی یا اقتصادی یا اجتماعی یا تقسیم خط و یا همه آنها هم، تدریکم این است
که بسیار از آثار مدون دوران ساسانی و آغاز و اوایل اسلام ایران از میان رفاقت و وعده ای
که از دستبروز زمانه رئیسی یافته اند در موزه های کتابخانه ملی ایران را پوشیده و سان و در کتابخانه
پارسیان نگاهداری میشود، اینها استوانه دشگذر زدایان ناشاخته مایخ و فرگنگ کهنه
باشد، و از این رو نگاهداری صراحت انتشار آنها و تشویق و انتشانه بتعابه و تصحیح و ترجیح این گنجینه ها
که مارا بشاخت بشیتر زبان پارسی و عمار از در بین مفاہیم بارگذیند، بر ما واجبات.

و باز از این رو بحکم تهخیر کردند و امتداد و جنبه های استاد و کتابهای از ای ایشان

دانشگاه چلپور پیشنهاد کرد که بزرگتر کند اشتبه پنجاه سال شاهنشاهی حجت شد و دو مان چهلوي شاوه
روزگر همیان گذرا آن پنجاه نهم خطر چلپور را در سو مرتسه آسیا و از گلخانه چلپور خارج شد و سرکنیم این پیشنهاد
لدول و جان پذیرفتم.

این پنجاه بعد تکاب چلپور و کتاب بارگاه رضا هدیه نامی است که درین گذشتین می بزرگداشت
پنجاه هر شنبه هر سه هزار فروتنی به گلخانه شاهنشاه آمده برای رایست عالیه دانشگاه چلپور علیا حضرت شعبان ذ فرج
رایست عالیه مرتسه آسیا و دانشگاه چلپور تقدیم می شود.
فرهنگ مهر
رئیس دانشگاه چلپور



و سچ

مئسته آسیانی والبته به دانشکاه پلوراقخاز واروکه بزرگ شت
پاچین سار شاشا هر دو دانشکلور از مجموعه از درخواجہ جلد، از دستنویسها
پلور و اوسته او پژوهشها را زیر این چاپ کنند و به هسته لازم فرنگی
دب ایران نقصیدم ولحق.

در تابستان هر چهلار پاخصه و سره شاهنشاھی در گردش خان زرضاها
رجسته رضا شاه بزرگ بدین شهرین و روز تاجگذاری ور (چهارم اردیبهشت)
۱۳۰۵ هجری خوشیمیر میرفت، دانشگاه ملی اندیشه چاپ مجموعه از ازقان از
چکلور یاد بخواهیم سار شاهنشاھی پلور لازم خاطرم گذشت و پر کن زاندیشیم را
پاچیر داشند دانشکاه پلور جذاب آفای و کفر فرنگی شهر که از شیفتخان
فرنگی ایرانند و از ایرانشناختی این فرنگی کهنه ییچکاه درین نکرده و
نمکنند، در میان که داشتم تا اگر در این اندیشه باخیم بحد دسته از هم بشند مرتبلا

به شرف عرض شهابونفر فرستگان پروردایران را می‌بیند و بر اینه
مکار جاذبه فریاد ناموسته آسیانی بینی کارشایسته دست یازد.

جناب آقار و کنفرانس محضه با پیشانی گذاده و آغوش را باز زرین اندیشه استقبال
کردند و ملاتب را به شرف عرض شهابونفر ایران رسانندند و پر گلگشت کردند
علیحضرت شجاعانو بین کارنیک شرف صد و ریافت و به متوسطه آسیانی ابلاغ شد.
شور ارثستاد از متوسطه آسیانی با امام از نام خاندند که حسن بیند است

شهر آنلا مردم ایران ارسال گردیدند که نیستند، چاپ کردند کتاب یا
دستنویسها پر طوراً در درجات اول اهمیت قرار دارند. کشور که در آن سیاست را که کشور دیگرها
بر دستنویسها پر طوراً اوستایی دست یافت که شورهند و تراحت هر چند بدینجا نه
هوگر کرم و مناسک آنجایا کتاب ساخته بازیست و کاغذ را زوگلندند و تباہ می‌سازند و می‌پوشانند.

در فهرست که جمیشید کاوس جی کاترک به نام "گنجینه های شرقی" (ORIENTAL TREASURES)
کرد آورده و بسال ۱۷۰۰ و نهصد و پنجمین سیال در دو هزار پوند

بچاپ رسانده است، از بیشتر زنگنه زر و سنتوییر لایان و بهمن فرام برده که رکنوز پدر خبر
از آنها را زمینه نفشد، ولین، نه تنبا بو اسطه آب و هوا رسند و ستار نجع بلکه بجه توپخان
و نادانی هم در نابغه آنها بهره از بزرگداشت نمایند. گردآورند و فرشت یاد شده به نگارنده
این طور میگفت: «سرمه از چاپ آن فرشت گذارم بخانه از اتفاقات خداوند از اصحاب
چنین و سنتوییر چلپور و اوستا شاهجه و من همانها را ویده و پرتوهیم و فرام آنها را و فرشتم آورده جم
خداآورده خانه بجهانم دیگر شناوه تجویض نداش که با نوسان عرض سنتوییر سارگفت، و رکنوز را از زده
و بیندار و پر از گردن مساده برگردانه پاره همان آنها زیر پاسخیده و بر اسرور گرفت از هر گز را بشمارید آن باید پسره
بارین چهار هم رکنوز، چندین صد و سنتوییر چلپور و اوستا دهند و ستار نمایند
که تقریباً همه از زر و سنتوییر سارگشته تر و نویس شده اند. بیشتر آنها را نگلدار از آن کتابخانه های
شخص پیغمبر و فرقه به کتابخانه های عموم و مؤسسات را دیافانه نمایند تا بیشتر و بیشتر از آنها گذاشت
و کمتر دماغه خواهند بود. از زین کتابخانه های متول اکثراً کتابخانه های مؤسسه شرقی کاملاً کتابخانه
«محنت و سور، محرومی را» را نام برد که صراحت بمحبوبه های گرانبهائی از سنتوییر سارگلپور را داشت

پاره ای را دست نموده بخیر و سلطنت شرق شناسان بکتابخانه های محترم اروپا رسیده
که مشرق آنها مجموعه دست نویسی های استاد پاولوس دار زده جلد کنونیک است که تو سلط
شرق شناس بیان و مترجم کار دارد از رو پا برده شد و جاشین او کریستن سن -
CHRISTEN SEN آنها را چاپ کرد و بر آنها دیباچه نوشت . این کتابها کنونیک بسیار کیا ب
و چند مجلد آن را نایاب است .

برادر انجام دادن فرمان ، زد و بست و اشتمد دستور خیر و جاماب آسا و خود
بزرگ شهر بیرونی را کتابخانه " مؤسسه شرقی کاما " یاد رخواشم تازه های امنا کتابخانه بی
" مؤسسه شرقی کاما " و نخست دستور فهرزان ای اجازه عکس بردار زده تنویسی های پیشوای از را بگیرد
و اگر خوب یاد است شاهزاده تنویسی های از زند و لازم برآنها بفرزند ، کارگزاریش دست نویسی های از
عکس بردار نزدیک عیند و مراکز از ایشان از اینجا لاتهم و میتواند برگزند : این کار به شواله انجام
گرفت چه دست نویسی های از طرف هیأت امنا کتابخانه ناو خاندان اخلاقی ایاد که چند
دست نویس ازین مجموعه متعلق بآنهاست) تهابه او سپرده شد بعده ، و وی ، اهانت و ازرا

رخ سفر رخود هم لساخته با وجا مدد از نه پر از کتاب برای زیر آمد، سنه تمام از بام تا شام
در چاچانه مادرانشگاه همکار شیراز و انسکاوه تهران گذراند و در همه جا باستنیسیا همراه بودند
من و هشتادش از مؤسسه آسیانیز نه به جابا و ریتم بودیم تا کار عکس برداری سر و خند و شنید
بدای رسید، دستور کنیسر و محبوب روح بیسیر نزدیک مانیز از طبقه عکسها باشندیسها و فرع کنند و آنها
در پی او رسیدند و تسلیم فریم تارین مینم انجام شد، نامه نزیر بر پشور آسمون استاد و انسکاوه بنا کرد
نوشتم مگر اجازه تجدید چاپ دستنیسیا کرتا بخواه کنپهای راز ناشنختین آنها

MUNKS

GAARD

بگیرد، اجازه کفتند و نامه با برچاچ رسید
 مؤسسه آسیانی سپاس در و فروزان خود را به پیشگاه شهر نور فرنگیک پرورد
 با فرم از خویز افتخار انصیش ساخته، تقدیم هم دراد.

رجذب آقار دکتر فرنگیک مهندس رازشگاه همکار در راه پیش فتن کار نهیج یار
 معنور و همان رین نکرد سپاهیک را داشت.

از دستور کنیسر و جاماسب آسکار بایار و رحیم پیش مجموعه پنجاه جلد ریشه مژده

پاسگزار است.

از پروفسور آسمون که اجازه چاپ مجموعه اوستاد چالو کنیهانک به پاره‌ی
او نجات یافت پاسگزار است.

از دکتر تهرام فرهادی رفعت از انتشارات دانشگاه تهران که چاپ کرد
بیش از چند جلد از این مجموعه در چاپخانه دانشگاه تهران پذیرفته و چاپ آنها با مشاوره
قزوینی پیش پاسگزار است.

از دکتر محمود طاوه‌سریانی و دکتر آنیس از ایالت هر صفحه از مجموعه
مربوط به امور فرهنگی و ادبیات اسلامی

مربوط به امور فرهنگی و ادبیات اسلامی

ماهیار نوابی
استاد دویس پژوهش اسلامی

پیشگفتار

دستنویس ف ۲۳ F23 جزء مجموعه دستنویس‌های است که دستور

ایرج جی سه رابحی مهرجی رانا به کتابخانه نخست دستور مهرجی رانا- نوساری، هدیه کرده است اندازه آن $15 \times 20 / 5$ سانتیمتر است، ۲۱۲ صفحه دارد که بر هر صفحهای ۱۵ سطر نوشته شده است، رنگ کاغذ آن سفید و آبی است. متن‌های گوناگونی دارد که پاره‌ای از آنها به گجراتی است و بیشتر آنها در این کتاب چاپ نشده است. متن‌هایی که در اینجا به چاپ رسیده است عبارتند از.

دستورها و تشریفات دینی نیرنگ‌دین، پایان نوبسی که در دستنویس هوشگ سیاوخش پیش از آغاز یسنا آمده است، ابزارهایی که آثرونان و ارتشتران و وستربوشن به کار میبرند، ابزارهایی که در مراسم یسنا و آئین آماده ساختن آپ زورگ zohr ap به کار میروند آئین دینی تطهیر شاخه هم، نیرنگیهای اوروپس گاه، (تشریفات مقدماتی مراسم یسنا) و نامهای که دستوران و مردم دیگر (از پارسیان) در روز هرمزد ماه امرداد ۱۰۸۹ یزدگردی (۱۷۲۰ میلادی) به دستوران ایران نوشته‌اند. همه متن‌های را که پایان نوبسی جداگانه داشته‌اند دستور ایرج جی سه رابحی مهرجی رانا به خط فارسی برگردانده است.

این دستنویس را ب. ن. دابار در فهرست توصیفی همه دستنویس‌های کتابخانه مهرجی رانا - نوساری وصف کرده است.

2

SUGGESTIONS

1. The first suggestion is that the author should make a more detailed study of the literature on the subject. This would enable him to have a better knowledge of the work done by others and to avoid unnecessary repetition. It would also help him to understand the significance of his own work in the context of the existing literature.

2. The second suggestion is that the author should pay more attention to the practical applications of his research findings. This would make his work more relevant and useful to the field of education.

3. The third suggestion is that the author should consider the possibility of publishing his work in a more specialized journal or book. This would increase the visibility of his work and reach a wider audience.

4. The fourth suggestion is that the author should take advantage of the opportunities available for presenting his work at conferences and seminars. This would provide him with the chance to receive feedback from other experts in the field and to network with them.

5. The fifth suggestion is that the author should consider the possibility of writing a book on the subject. This would allow him to present a comprehensive overview of his work and its implications for the field of education.

SUGGESTIONS

ایحٰث ایم قنہا میں ہے ۱۰ صد و

لکھنہا

ایحٰث ہے ۱۰ صد و میں ہے ۱۰ صد

لکھنہا و سو ۳۰ سو سے اٹھ سو

لکھنہا اسیں ۱۰ صد اسیں ۱۰ صد

لکھنہا ۱۰ صد لکھنہا اسیں ۱۰ صد

لکھنہا اسیں ۱۰ صد سو سو سو سو سو

لکھنہا ۱۰ صد ۱۰ صد ۱۰ صد

لکھنہا ۱۰ صد ۱۰ صد ۱۰ صد ۱۰ صد

١١٦) لـ عـصـفـهـ اـعـاصـمـهـ تـطـعـهـ

حـارـسـهـ تـطـعـهـ سـطـحـهـ لـهـ كـمـدـهـ اـعـصـفـهـ

لـهـ مـهـمـهـ اـلـهـ اـعـاصـمـهـ اـنـهـ مـهـمـهـ

١١٧) لـ عـصـفـهـ سـيـرـهـ بـعـدـهـ وـاـصـمـهـ

بـعـدـهـ حـافـظـهـ رـاهـ اـعـاصـمـهـ

سـطـحـهـ اـعـاصـمـهـ لـهـ بـعـدـهـ لـهـ

١١٨) لـ سـطـحـهـ اـعـاصـمـهـ كـمـ

كـمـ اـتـكـهـ دـكـلـهـ اـعـاصـمـهـ

١١٩) لـ سـطـحـهـ اـلـهـ سـطـحـهـ اـعـاصـمـهـ

سـطـحـهـ بـعـدـهـ وـاـسـعـهـ بـعـدـهـ

لـهـ بـعـدـهـ

سهیمہ کو سیر نامہ ایک دوسرے
 ایک دوسرے سر نامہ کا مخفی
 سهیمہ کو سهیمہ اسکھلہ سهیمہ
 سهیمہ سومہ کو سهیمہ سومہ
 سید ایک تھا اس قدر ایک را
 ایک دوسرے کا مخفی ایک دوسرے
 ایک دوسرے مدد و مدد و ایک دوسرے
 سهیمہ ایک دوسرے کا مخفی ایک دوسرے
 دوسرے کا مخفی ایک دوسرے کا مخفی ایک دوسرے
 بھیوا ایک دوسرے ایک دوسرے

وَهُمْ سُوَّا أَهْمَلَ كِبِيرَاتِ الْأَيَّلَاتِ
 إِنَّمَا سَعْيُهُمْ لِنَفْسِهِمْ إِنَّمَا يَعْمَلُونَ
سَعْيُهُمْ لِنَفْسِهِمْ إِنَّمَا يَعْمَلُونَ
كَذَرْسَنْدَلْ ١٢٣ كِبِيرَاتِ الْأَيَّلَاتِ
 إِنَّمَا يَعْمَلُونَ
 كَذَرْسَنْدَلْ لِنَفْسِهِمْ إِنَّمَا يَعْمَلُونَ
 كَذَرْسَنْدَلْ لِنَفْسِهِمْ إِنَّمَا يَعْمَلُونَ
 كَذَرْسَنْدَلْ ١٢٤ كِبِيرَاتِ الْأَيَّلَاتِ
 كَذَرْسَنْدَلْ لِنَفْسِهِمْ إِنَّمَا يَعْمَلُونَ
 كَذَرْسَنْدَلْ لِنَفْسِهِمْ إِنَّمَا يَعْمَلُونَ

سو ۱۳۷۰ ایم ۱۵ کم صد و سیصد
و ۱۳۷۱ یعنی ۱۶ دی ماه ۱۴۰۰
ام ۱۳۷۱ شهادت کرد کعب
لار اویتم سیسو کرسو
پدر شده کعب اویتم
سیسو کرسو کرد ام ۱۶ ایم
لار کرسو ام ۱۴۰۰ لار
تو ۱۴۰۱ شده کعب لار اویتم
سیسو کرسو لار اویتم
نفر لار نفر کرسو اویتم

کہ ٹھیک ہے جو (جس دوست ہے) ہے۔

جس دوست ہے اپنے اپنے راست نواز ۱۳۵۰

جس اپنے ٹھیک ہے جو (جس دوست ہے) ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲

۱۳۵۳۔ راست ۱۳۵۴، قصیدہ رسد

ٹھیک ہے جو اپنے اپنے راست

جس دوست ہے جو (جس دوست ہے) ۱۳۵۵

یعنی ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷

کہ ٹھیک ہے جو اپنے اپنے راست

کہ ٹھیک ہے جو اپنے اپنے راست

۱۳۵۸ اپنے اپنے راست

کہ ٹھیک ہے جو اپنے اپنے راست

مُلْكِيَّةِ الْمُسْلِمِينَ ١٤٥٦ م ٢٠٢٣

دِرْخَانَةِ رَسُولِ الْمُسْلِمِينَ

سَنَةِ اَنْتَ اَوْلَى سَنَةِ كُلِّ

مُحَمَّدٌ وَالْمُهَاجِرُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٤٥٦ م ٢٠٢٣ سَنَةِ ١١٥

دِرْخَانَةِ وَالْمُهَاجِرُونَ ١١٥ سَنَةِ

كِرَاسِيِّ سُرْقَانِ ١١٥ سَنَةِ

عَهْوَارِ رَسُولِ الْمُسْلِمِينَ

دِرْخَانَةِ سُورَةِ ١١٥ سَنَةِ

سَلَامٌ وَّاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْوَادِ لَهُ

۱۱۰۔ مسیح اور مسیحیوں کا مقابلہ۔

١٥٣٣ میں رائے رواچہ احمد نے بھی اسی میں

وَاللَّهُ أَوْلَيْكُمْ بِالْعِلْمِ فَلَا يُنَزَّلُ لَكُمْ مِنْ كُلِّ كِتَابٍ

۱۹۶۰ء، اوسنیا اور مونٹینیگرو

سیم امسیں ۱۳۵۰ نوامبر ۱۹۷۰ میں

لیکن اُن نے میرا حبیبیم کہد نہ سو

سکونتیں ۱۹۵۵ء کے درجہ میں

مکتبہ ایکٹریڈ - ۲۰ نومبر ۲۰۱۷ء

مکتبہ پختہ ۱۹۷۲ء میں

سنه ١٤٦١ ميلادى اتنين سنه

١٤٦٢ سنه ١٤٦٣ ميلادى

١٤٦٤ كده ١٤٦٥ ١٤٦٦ ميلادى

١٤٦٧ ميلادى ١٤٦٨ و ١٤٦٩

واس سنه سنه ١٤٦٩ سنه

او ١٤٦٩ ميلادى كده سنه سنه

١٤٦٩ سنه ١٤٦٩ ميلادى

سنه ١٤٦٩ ١٤٦٩ ميلادى

سنه ١٤٦٩ كده ١٤٦٩ ميلادى

بلى كده سنه ١٤٦٩ سنه

مكتوب

سو سهند فیض ۱۱۵۰
 سو سهند افغانستان ۶۴ سهند ۱۱۵۰
 که ۶۳۱ میلادی ۱۱۵۰
سو سهند سهند
۱۱۵۰ و سهند
 و ۱۱۵۰ دوازدهمین که سهند که ۱
 سهند پنجمین سهند سهند
سهند سهند سهند
 که ایکم سهند ۱۱۵۰ سهند که ۱۱۵۰
 سهند ۶۷۶ میلادی که و ۱۱۵۰

۶۰۰ سے ۱۱۰ تک ۷۵۰ تک ۷۰۰ تک
 ۷۰۰ تک ۶۰۰ تک اور ۴۰۰ تک
 ۶۰۰ تک ۳۰۰ تک ۲۵۰ تک ۲۰۰ تک
 ۱۱۰ تک ۲۰۰ تک ۱۵۰ تک ۱۰۰ تک
 ۱۰۰ تک ۷۰۰ تک ۵۰۰ تک ۳۰۰ تک
 کد ۳۰۰ تک ۲۰۰ تک ۱۵۰ تک ۱۰۰ تک
 قسم ۱۰۰ تک ۷۰۰ تک ۵۰۰ تک ۳۰۰ تک
 سے سو تک تک ۱۱۰ تک ۱۰۰ تک ۹۰۰ تک
 ۱۱۰ تک ۹۰۰ تک ۸۰۰ تک ۷۰۰ تک ۶۰۰ تک
 کسکی سے۔ سوچ، خلیل داد داد، سوچا
 تھوڑے ۱۰۰ تک ۱۰۰ تک ۱۰۰ تک ۱۰۰ تک
 (سوسنہ)

رسالة لـ سيد راس ١٩٥٢ اص

١٩٥٢ اص رسائل العـم سـيد رـاس

رسـمـوـاد سـيـرـت ١٩٥٢ دـقـه

لـ سـيد رـاس، رسـمـوـاد ١٩٥٢ وـا

رسـمـوـاد سـيد رـاس، رسـمـوـاد ١٩٥٢

رسـمـوـاد سـيد رـاس، وـا رسـمـوـاد ١٩٥٢

٦٢٠٢٤-٨٦٤

٢٢٢٢٢-٧٢٢٣٢٢٢-٥٢٢-٥٢٣٢٢٢-٦٥٤
 ٢٢٢-٦٦٢٢-٦٦ ٦٦٦٦ ٦٦٦٦ ٦٦٦٦ ٦٦٦٦
 ٦٦٦٦ ٦٦٦٦ ٦٦٦٦ ٦٦٦٦ ٦٦٦٦ ٦٦٦٦
 ٦٦٦٦ ٦٦٦٦ ٦٦٦٦ ٦٦٦٦ ٦٦٦٦ ٦٦٦٦

figure

۲۵) فیض عجمی سد

ابن لام بسریزش نوشته است این را نقل کرم

۲۶) فیض عجمی سه شصت سه میلیون

عجمی سد فیض عجمی وانه واده

۲۷) فیض عجمی سه شصت و دو هزار

فیض عجمی سه هزار هشتاد و سه

هزار و دو هزار و سی و سه

فیض عجمی

اَتَلْمِيْنَاهُ اَنْ وَجَّهَمْ وَلَهُمْ مَوْلَى
 يَعْلَمُ بِمَا كُلُّ اَنْفُسٍ^١ سَمِعَ وَانَّهُ وَافِلٌ ١٣٦
 اَنَّهُمْ فِي ١٣٦ هُنَّ عَذَّابٌ اَعْلَمُ اَنَّهُمْ ٦١٣
 شَهِيدٌ لِّكُلِّ اَنْفُسٍ^٢ سَمِعَ وَلَهُمْ مَوْلَى
 اَنَّهُمْ فَدَاهُمْ هُنَّ عَذَّابٌ اَعْلَمُ^٣
 فَمَنْ يَعْلَمُ بِهِمْ فَيَعْلَمُ بِهِمْ^٤ اَعْلَمُ
 لِمَنْ يَعْلَمُ اَعْلَمُ^٥ ١٣٦، ٦١٣، فَعَلَى
 وَهُنَّ عَذَّابٌ. لِمَنْ يَعْلَمُ فَمَنْ يَعْلَمُ فَعَلَى
 سَهْلٍ^٦ سَهْلٍ رَّبٌّ اَعْلَمُ^٧ اَعْلَمُ^٨
 سَهْلٌ اَعْلَمُ^٩ سَهْلٌ سَهْلٌ^{١٠} اَعْلَمُ^{١١}
 سَهْلٌ سَهْلٌ سَهْلٌ سَهْلٌ فَهُنَّ اَنْ

کوئندھھوئیں ۱۳۵۰ء اپنی ۲۳ نسخہ
 اپنے ۱۱۷۰ء میں کلھوئے
 سے لدیں اسی ۱۱۷۰ء اپنے ۱۱۷۰ء
 میں ۱۳۵۰ء کوئندھھوئیں کی
 ۱۱۷۰ء میں سوچ دیے سیں اپنے کلھوئے
 کلھوئے ۱۳۵۰ء کی ۱۱۷۰ء کوئندھھوئے
 کلھوئے ۱۳۵۰ء کی ۱۱۷۰ء کلھوئے
 کلھوئے اپنے ۱۱۷۰ء کوئندھھوئے
 ۱۱۷۰ء کی ۱۳۵۰ء کلھوئے سوچ دیے
 کوئندھھوئیں اپنے کلھوئے

۱۱۵ کد که می سویم
 بود این نیزه ۱۳۰۰ اسویم
 وای و مسکن ۱۱۶ ۱۱۷ یا
 سقیم ایم که ۱۲۵ نیزه سویم
 ۱۱۸ سیچان تهدیه را دارم که
 ۱۱۹ ۱۲۶ سیم سکنی دارم و می خواهم
 سیم که ایم و داده ۱۳۱ ام و داده
 ایم ۱۳۲ که ایم و داده سیم
 داده ایم و داده ۱۳۳ که داده
 که داده ۱۳۴ ۱۱۹ ایم داده که داده
 نیزه سویم ۱۳۵ که داده ایم داده
گذشت

الْجَرْسُونِيُّ الْمُكَوَّنُ مُسَدٌ
 فَ۝ كَمْلَةٌ مُصْبَرٌ أَهْمَانْتَهُ الْمُعْجَنُ
 سَمْكَهُ أَهْمَانْتَهُ وَمَهْمَانْتَهُ اَهْمَانْتَهُ
 سَمْكَهُ كَمْلَةٌ وَمَهْمَانْتَهُ اَهْمَانْتَهُ
 سَمْكَهُ كَمْلَةٌ وَمَهْمَانْتَهُ اَهْمَانْتَهُ
 كَمْلَةٌ وَمَهْمَانْتَهُ اَهْمَانْتَهُ
 بَسْمَهُ كَمْلَةٌ اَهْمَانْتَهُ اَهْمَانْتَهُ
 الْأَهْمَانْتَهُ الْأَهْمَانْتَهُ وَمَهْمَانْتَهُ
 كَمْلَةٌ اَهْمَانْتَهُ وَمَهْمَانْتَهُ وَمَهْمَانْتَهُ

بَلْ وَمَنْ أَنْهَاكُمْ فَلَكُمْ سَبِيلٌ
 إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ الْمُنْكَرُ عَنِ الْحَقِيقَةِ وَ
 أَنَّكُمْ فِي الْأَخْرَافِ لَا تَعْتَدُونَ
 إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ الْمُنْكَرُ عَنِ الْحَقِيقَةِ وَ
 كُلُّ أَنْوَارٍ يَنْهَاكُمُ الْمُنْكَرُ عَنِ الْحَقِيقَةِ وَ
 كُلُّ أَنْوَارٍ يَنْهَاكُمُ الْمُنْكَرُ عَنِ الْحَقِيقَةِ وَ
 كُلُّ أَنْوَارٍ يَنْهَاكُمُ الْمُنْكَرُ عَنِ الْحَقِيقَةِ وَ
 إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ الْمُنْكَرُ عَنِ الْحَقِيقَةِ وَ
 سَبِيلٌ لِمَنْ يَرْجُوا إِلَيْهِ الْجَنَاحَ
 وَمَنْ يَرْجُوا لَهُ الْجَنَاحَ فَلَمْ يَرْجِعْهُمْ إِلَيْهِمْ
 وَلَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ
 سَبِيلٌ لِمَنْ يَرْجُوا لَهُ الْجَنَاحَ

الْجَنَاحَ

ایت ۱۳۰۰م ۱۴۶۰م ۲ ۹۰ سے واسطہ فساد
 فساد، سدھن فساد ۱۱۳۰ واسطہ ۱۱۵۰
 اوس طبقہ واسطہ استھن فساد فساد
 ایت ۱۳۰۰م ۱۴۶۰م ۲ ۹۰ فساد
 اسے کوئی فساد نہیں دیا جائے کیونکہ اسکے
 سر پر ۱۳۰۰م ۱۴۶۰م ۲ ۹۰ اسکے
 کوئی فساد نہیں دیا جائے اسے فساد
 اوس طبقہ واسطہ کو فساد فساد اسکے
 سلسلہ ۱۳۰۰م ۱۴۶۰م ۲ ۹۰ فساد فساد
 فساد فساد فساد فساد فساد فساد
 اسکے لئے ایک واسطہ ۱۱۳۰م ۱۴۶۰م ۲ ۹۰

١٥) سیم سد معمد بـ ١٣٤٤ دعوه
 الدهنه، ٩٧) سـ ٦٣ لـ ١٣٤٦
 ٦٧) تـ ٦٣ لـ ١٣٤٦
 سـ ٦٣ لـ ١٣٤٦ ١٣٤٦ ١٣٤٦
 الـ ٦٣، فـ ٦٣ وـ ٦٣ وـ ٦٣
 كـ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣
 كـ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣
 ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣
 ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣
 ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣
 ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣ ٦٣

۱۶) نیز ایک دوسری سوچاریہ کے قریب
 ۱۷) ایک دوسری سوچاریہ کے قریب
 اور دوسری سوچاریہ کے قریب
 مسجد مسجد سوچاریہ، نمبر ۱۲۰
 مسجد مسجد سوچاریہ، نمبر ۱۲۱
 سے نئی تک قریب سوچاریہ ۱۲۲
 ۱۸) نیز ایک دوسری سوچاریہ کے قریب
 مسجد مسجد سوچاریہ، نمبر ۱۲۳
 ۱۹) سوچاریہ کے قریب نئی تک
 مسجد مسجد سوچاریہ، نمبر ۱۲۴
 ۲۰) سوچاریہ کے قریب نئی تک

لـ ١٣٠ فـ ١٢٠ اـ ١١٠ مـ ١٠٠ سـ ٩٠ سـ ٨٠
وـ ٧٠ فـ ٦٠ مـ ٥٠ سـ ٤٠ سـ ٣٠ اـ ٢٠
اـ ١٠ مـ ٩٠ اـ ٨٠ مـ ٧٠ اـ ٦٠ مـ ٥٠
سـ ٤٠ اـ ٣٠ مـ ٢٠ فـ ١٠ سـ ٩٠ اـ ٨٠
اـ ٧٠ مـ ٦٠ فـ ٥٠ اـ ٤٠ مـ ٣٠ سـ ٢٠ اـ ١٠
اـ ٣٠ مـ ٢٠ فـ ١٠ سـ ٩٠ اـ ٨٠ مـ ٧٠ سـ ٦٠
اـ ٥٠ مـ ٤٠ فـ ٣٠ اـ ٢٠ مـ ١٠ سـ ٩٠ اـ ٨٠

تمتanjir بروز باد بجهه ارد پهشت بهال هزار و دو صدر
سنجاه لذت بهشته میزد کرد شهر یار کاتب و مالک این گلرین
اینج هن دستور سه را ب جی بن دستور کاووس جی لقبه دستوران
دستور همچوی ران اسکن قصبه نوساری این را در شهر مینهی نوشته

الله عز وجل . ملائكة الرحمن . ربنا يحيى عليه السلام

الله عز وجل . ربنا يحيى عليه السلام . ربنا يحيى عليه السلام

سالم سالم . ربنا يحيى عليه السلام . ربنا يحيى عليه السلام

سالم سالم . ربنا يحيى عليه السلام . ربنا يحيى عليه السلام

سالم سالم . ربنا يحيى عليه السلام . ربنا يحيى عليه السلام

سالم سالم . ربنا يحيى عليه السلام . ربنا يحيى عليه السلام

سالم سالم . ربنا يحيى عليه السلام

سالم سالم . ربنا يحيى عليه السلام

سالم سالم . ربنا يحيى عليه السلام . ربنا يحيى عليه السلام

صلوة ودود صلوة ودود صلوة ودود صلوة ودود صلوة

କ୍ଷେତ୍ରନାମ-ଶିଖିଧୀ-ବିଜୁଳି-ପାଦା-ହରା-

କ୍ଷେତ୍ରନାମ-ଶିଖିଧୀ-ବିଜୁଳି-ପାଦା-

କ୍ଷେତ୍ରନାମ-ଶିଖିଧୀ-ବିଜୁଳି-ପାଦା-

କ୍ଷେତ୍ରନାମ-ଶିଖିଧୀ-ବିଜୁଳି-ପାଦା-

କ୍ଷେତ୍ରନାମ-ଶିଖିଧୀ-ବିଜୁଳି-ପାଦା-

କ୍ଷେତ୍ରନାମ-ଶିଖିଧୀ-ବିଜୁଳି-ପାଦା-

କ୍ଷେତ୍ରନାମ-ଶିଖିଧୀ-ବିଜୁଳି-ପାଦା-

କ୍ଷେତ୍ରନାମ-ଶିଖିଧୀ-ବିଜୁଳି-ପାଦା-

କ୍ଷେତ୍ରନାମ-ଶିଖିଧୀ-ବିଜୁଳି-ପାଦା-

କ୍ଷେତ୍ରନାମ-ଶିଖିଧୀ-ବିଜୁଳି-ପାଦା-

مُصْرِفَةٌ مُسْطَحَةٌ. لَهُ دَمَدُوسٌ

أَنْجَارٌ.

أَنْجَارٌ.

أَنْجَارٌ.

كُلُّ سَكَنٍ وَهُمْ لَيْلَاتٌ. وَهُنَّ سَطَحَةٌ مُسْطَحَةٌ

أَنْجَارٌ. أَنْجَارٌ. أَنْجَارٌ.

كُلُّ سَكَنٍ وَهُمْ لَيْلَاتٌ. كُلُّ سَكَنٍ وَهُمْ لَيْلَاتٌ.

أَنْجَارٌ. أَنْجَارٌ. أَنْجَارٌ. أَنْجَارٌ.

وَهُنَّ سَطَحَةٌ مُسْطَحَةٌ. وَهُنَّ سَكَنٍ كُلُّ سَكَنٍ وَهُمْ لَيْلَاتٌ

أَنْجَارٌ. أَنْجَارٌ. أَنْجَارٌ. أَنْجَارٌ.

كُلُّ سَكَنٍ وَهُمْ لَيْلَاتٌ. كُلُّ سَكَنٍ وَهُمْ لَيْلَاتٌ.

أَنْجَارٌ. أَنْجَارٌ. أَنْجَارٌ. أَنْجَارٌ.

رسالة موسى بن سعيد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَيَا أَيُّوبَ كُلُّ مَا تَرَكَتْ لَكَ
أَنْ يَكُونَ مَوْعِدًا لَكَ مُؤْكِدًا

أَنَّكَ مُؤْمِنٌ بِالْكِتَابِ
أَنَّكَ مُؤْمِنٌ بِالْكِتَابِ

مدد. بعدها دیدند. آنها را بازیابی کردند.
لیکن «س. لکسوسیل» نیز داشت.

۸۵۱. ۷۲. ۳۶۲۱. ۲۱۹۲.

دستور ساده. رسود دستور. سوچانی. گلزاری.
کمی. دلخواهی داشت. لکسوسیل نیز داشت.

۸۵۲. ۳۰. ۷۱۴۱۵۱۰۲۱. ۲۱۹۲.

رسونه سمن سهل طبیعتی است. ۷۱۴۷۲. ۷۱۴۷۳.

رسونه ۴۴۶۷. و دارای است: ۷۱۴۷۲. ۷۱۴۷۳. ۷۱۴۷۴. ۷۱۴۷۵.
۷۱۴۷۶. ۷۱۴۷۷. ۷۱۴۷۸. ۷۱۴۷۹.

رسونه ۴۴۶۷. رسونه ۴۴۶۷. رسونه ۴۴۶۷. رسونه ۴۴۶۷.
۷۱۴۷۶. ۷۱۴۷۷. ۷۱۴۷۸. ۷۱۴۷۹.

رسونه ۴۴۶۷. رسونه ۴۴۶۷. رسونه ۴۴۶۷.

لیلی دد سیخ و سدهم و سه سیخ. ۰۴۷۲۶۱۷۳۶۱
۰۴۷۲۶۱۷۳۶۱

و داد و سیخ. (سیخ) و سه سیخ. ۰۵۱۹۳۶۱-۰۴۲۲۱-۰۴۹۴۱-۰۵۱۸۴۹۱۰۷

سیخ دد سیخ ۰۴۷۲۶۱۷۳۶۱. می سدهم دد سیخ که فرد داده
می شود

۰۴۱۸۱۷۷۷۲۲۱۸۱۷۱۷۱۲۰۶۲۶۰۴۹۰

سیخ داده. سیخ داده. داده

۰۴۶۱۸-۰۴۷۱۷-۰۵۱۷۶-۰۴۷۱۰-۰۴۷۲-

داده سیخ سیخ. داده سیخ. و سیخ سیخ.

۰۴۹۵۲۶۱-۰۴۸۱۷-۰۱۲۷۱ قیچی ۰۴۵۴۱۰۷-۰۴۱۷۶.

سیخ داده سیخ. سیخ داده سیخ.

۰۴۶۱۸-۰۴۷۱۰-۰۴۱۷۶

નવીન કાબુ. વિસર્વદીન. ૧૮.૭.૧૯૪૦. અંગારા. ગા

ચાંદુદીન. ૬૪. કાલાદીન.

૨૨૨. ૩૧. ૩૧૨. ૨૨૨. ૧૭મિન્યુનિયન્ટ.

નૃત્ય કો. નીલ. ખાલેન્ડોર્ફ.

ખ્રિસ્ટીયન સાન્દ્રે.

૭૪૫. વિસર્વદીન. વિસર્વદીન.

કુન્દળા. ૨૭૧૬૫. ની.

કુન્દળા.

૬૪૮. ૬૪૮. વિસર્વદીન.

૨૭૬. ક્રોનિકા. કુન્દળા. જ. કુન્દળા - તેજાનગર. નોંધ.

૬૪૯. ૬૪૯. વિસર્વદીન.

૨૭૫. કુન્દળા. કુન્દળા. —

નારોથા-આલાના-દીવાના-અલોના-ગ્રંથ

૧ શૈલેજા હોમણ ૨ કુલેજા જાહણ

૩ કુલેજા વરસણ ૪ નાલો ઉદાહના

૫ નાલો કુલેજાના ૬ નાલો વરસણ-દિવાના

૭ નાલો હોમાજારી-કર્મચારી ના

૧ હોમાજારી ૨ નાલો ૩ આદુલુલ

૪ વરસણ ૫ કોલેજાના ૬ વરસણ

૭ વરસણ ૮ હોમાજારીના-નાલો

૯ કુલેજાના ૧૦ નાલો ઉદાહના-નાલો

૧૧ નાલો ૧૨ આદુલુલ

- ૧ બૃહદ્રિયાનંત્રાણાનાલેલા
 ૨ કોન. ૧ અનુભ. ૨ એણ
 ૩ ગાંગાણ. ૧ લેણ. હૃતીનાનંદિણ
 ૪ દીક્ષાલે ૧ શ્રી. બૃહદ્રિય. બેળાળ
 ૫ નાનાદ્રિયસ્તુળાથ. બૃહ. હૃતીન. દીક્ષાલેણાય
- ૬ કૃત.

اویہہ ایک قدم چھٹھا

مکالمہ و مقالہ

ایکمڈ گند ایں ہے میں پیسھا ॥

ગુરૂ પટેલ ગુરૂ મન્મહિં વડોદરા

الْمَسْكُونَ، الْمَوْعِدُ، الْمَعْلُومُ

العنوان: رسالة في علم الكتاب والكتاب

۱۳۵۵میں اسلام سے سوچنے والے

لهم وفقهنا لغير ما نحصى

لئاں پرستیوں کے ستم مریاں اور مکاروں

١١٦ سعیین تُنوا ایتیاں ایک

کم مدد تریسا سوچ کے کور
بیخ نہ

ایک دوست را ایس ایک ایک
بیخ خدا نگار

پھر پھود لے ۱۱۶ بیرون سوچ کو

پھر و ۱۱۷ بیس کوچھ را

ایک دوست ایک سوچ کے ایک

لکھ لے ۱۱۷ بیس سوچ کے ایک

۱۱۸ بیس ایک بیس ایک

بیخ ۱۱۹ ۱۱۹ لکھ را

سوچ کے سوچ سوچ کے وا

وَسُبْرَةِ الْمَلَكِ الْمُكَبِّرِ

الْمَلَكُ الْمُكَبِّرُ وَالْمُنْهَدِرُ

الْمَلَكُ سُبْرَةِ الْمُكَبِّرِ
أَخْيَرُ

الْمَلَكُ الْمُكَبِّرُ الْمُنْهَدِرُ

الْمَلَكُ سُبْرَةِ الْمُكَبِّرِ

الْمَلَكُ الْمُكَبِّرُ

الْمَلَكُ الْمُكَبِّرُ

الْمَلَكُ الْمُكَبِّرُ

الْمَلَكُ الْمُكَبِّرُ

الْمَلَكُ الْمُكَبِّرُ

١٩١١ واصحاصد ١٩١١ بمحضها

١٩٢٣ بمحضها أعواف كرمي

أعواف كرمي بمحضها

بمحضها أعواف كرمي

أعواف كرمي بمحضها

أعواف كرمي أعواف كرمي بمحضها

أعواف كرمي بمحضها

أعواف كرمي أعواف كرمي بمحضها

أعواف كرمي بمحضها

بمحضها أعواف كرمي بمحضها

١٥٤١ م جمیعہ مسجد اللہ مسجد
تربیخ فرود

مساجد اسلامیہ مسجد رائے سے ۱۹۷۰ء

۱۵۶۱ م جمیعہ وسیعہ ۱۹۷۹ء یعنی

۱۹۸۱ م جمیعہ رائے سے ۱۹۷۰ء

مساجد اسلامیہ رائے سے اور حسین

مکتبہ جمیعہ وسیعہ ۱۹۷۹ء

مسجد جمیعہ اور حسین، مکتبہ جمیعہ

کتب اسلامیہ اور حسین نو ۱۹۷۰ء

رائے سے ۱۹۷۰ء رائے سے ۱۹۷۰ء

۱۹۷۱ م جمیعہ رائے سے اور حسین، مسجد

سوھھسووا راس کشمکش، فھونک
 راس لیل کشمکش کد سوھھسو
 سو سو دوست دوست کشمکش. فھونک
 پھٹاچھ راس کشمکش، سو
 اکٹھ سوھھسو کشمکش و ۱۳۵۰
 سوھھسو ۶۴۰. راس کشمکش، فھونک
 راس سوھھسو ۱۸۰ راس کشمکش
 سوھھسو سوھھسو سوھھسو
 سوھھسو یئھ لیل کشمکش
 ۱۳۵۰ = کشمکش. فھونک

م. رئيسي سيد راس ٢٠١٣
 الا سيد رئيسي احمد ٢٠١٣
سید مصطفی سید راس
دکانیم ٢٠١٣، دھنونگر ٢٠١٣
٢٦٢ سید ٢٠١٣ راس اویسی
سید. علی سید ددھنونگر راس:
اویسی سید ٢٠١٣
راس (اویسی) سید ٢٠١٣، ٢٦٢ دہنونگر
سید ٢٠١٣ دھنونگر والٹرو ٢٠١٣
دہنونگر راس اویسی: سید قاسم ٢٠١٣

وادی سیروار سے رائے اور حکم

سَلَّمَ اللَّهُمَّ سَلِّمْ وَاللَّهُمَّ

۱۰۰۰۰ دلار

او هم اسک چشم سو را بست

لەنگەزىمەن لە ۱۱ کەدە سەھىم سەروو سىر

سکھ دوھاں۔ (۱۱) واری

فیصلہ نصیر اور سوسن میں سو ۵۱۱۱ نصیر

سـ ۱۵۰، تـ ۱۵۰، مـ ۱۵۰، اـ ۱۵۰، هـ ۱۵۰، زـ ۱۵۰

لہے سے ۱۱۱۷ءیں ۱۱۱۸ءیں کو

三

اىه اىتتائىسىد لىل ١٢ سىنەدەم

كەھىم سەپو ١٥٣ اوھىتىم سەپ

ل ١١٩ ل ١١٩ اىھ وزى ل ١١٩

ئۇھىم سەپپەرە ١٣٧ : كەھىم ٦٤ . راىد

ل ١٣٣ راىد نواڭىزىم سەپو ١٥٣

راىد اوھىتىم سەپو ١٥٣ دەندى

ل ١٥٣ سەپ ٦٦ اوھىتىم سەپ

سەپ ١٣٦ ١٣٦ نواڭىزىم ٦٦

ل ١٣٦ اىد ١٣٦ كەھىم كەد

سەپو سەپ ١٣٦ ل ١٣٦ سەپ كەھىم كەد

شەپشىن بېغىز يىد .

شیخستان بیخونید ۱۱ سپتو ۱۳۹۷هـ فتح و فسما
ص ۱۳۹۷هـ اسکله ۲۳ ص ۱۳۹۷هـ او ابن دل
عمر سعید زاده محمد قاسم احمد احمد
س ۱۳۹۷هـ عمر سعید سپتو ۱۱ ص ۱۳۹۷هـ
کارکرد کرد ۱۳۹۷هـ ۱۳۹۶هـ ۱۳۹۵هـ
ا ۱۳۹۷هـ ۱۳۹۶هـ ۱۳۹۵هـ تبع سعید و احمد
و احمد سعید سعید فتح و فسما سعید
او فتح و فسما ۱۳۹۷هـ کرد فتح و فسما
۱۳۹۷هـ ۱۳۹۶هـ ۱۳۹۵هـ افغان
سهوی ۱۱ فتح و فسما کرد ۱۳۹۷هـ ۱۳۹۶هـ
سعید

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

لیلی کار داده اند و می خواهند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سے پہنچنے والے ۱۱۲۸۱۱۰۷ کیم کلیم

۱۶۰۷- دینهم و رادا موسوی

سے سہی میں تو نہیں تھا

١٢٦) وَكَسَبَهُ (اِوادِي) يَعْصُمُ

وادی نواحی، ناحیہ کے میکروان ٹھہرے ا

መይኑን ተከታታል የዚህ ወጪ እንደሆነ

لـ ١٢٣٦ هـ مـ ٢٠١١ مـ

مروجہ میں ایک آنکھ، لے ۱۱۵ سو

۱۱۸ نسخه ۶۰۰۰ متمدد

وَالْمُهَاجِرُونَ ۝ ۝ ۝

ବ୍ୟାକ୍ ପରିଚୟ ଓ ବିଷୟ

اویسیت ۱۳۹۰ و ۱۱۲۰ کیمی

၁၅၃ ၂၆၈ ၁၁၇ ၁၁၉

شیوه‌های معرفتی کد

سے مارکیٹ وارڈ وہ سوچوں

قصہ ۱۳۹و سعیت ۶۴ حل مذکور مکہ ق ۱۲۱

188

سی و سه تا دو ده بیست و سه

شیوه

١٣٦١-١٣٦٢-١٣٦٣-١٣٦٤-١٣٦٥-١٣٦٦

شیخ سید س. نبیع زاده. ملائکہ دلدادی

١٣٦٧-١٣٦٨-١٣٦٩-١٣٦١-١٣٦٢-١٣٦٣

شیخ سید س. نبیع زاده

١٣٦٣-١٣٦٤-١٣٦٥-١٣٦٦-١٣٦٧

شیخ سید س. نبیع زاده

١٣٦٨-١٣٦٩-١٣٦١-١٣٦٢-١٣٦٣

شیخ سید س. نبیع زاده

شیخ سید س. نبیع زاده

١٣٦١-١٣٦٢

માર્ગ-નીરંગણનળ-કરુના-પેટલાલાલ
 કાલાશ-અલાલાલાલ-ફોલાલાલાલ-અલ-
 વાલાલાલ-કરુનાસાલાલ-એકાલાલ-સાલાલ
 નાલાલ-થાલાલાલ-ફોલાલાલાલ-સાલાલ
 વાલાલ-સાલાલાલ-માલાલાલ-લાલાલ-સાલ
 હાલાલ-ફોલાલ-લાલ-ફોલાલ-લાલાલ-
 નાલાલ-લાલ-સાલ-કરુનાલ-કરુના-પેટ
 વાલ-લાલાલ-ન-કૃત-સાલાલ-સાલ
 કુલાલ-લાલાલ-લાલ-લાલ-લાલ-
 અલાલ-લાલ-લાલ-લાલ-લાલ-
 ૨-સાલ-૧૨૪૦) ફોલાલાલ-લાલ-લાલ-
 કરુના-લાલ-લાલ-લાલ-લાલ-
 કરુનાલ-ફોલાલાલ-લાલ-લાલ-લાલ-લાલ

۳۷۱۳۲-۴۱۲۲۰۶-۰۵۱۲-۰۵۱۲
 ۲۰۸۶۷۲۰۲۰۷-۰۱۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷
 ۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷
 ۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷
 ۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷-۰۷۰۷

کشمکش. فیض سعید. مسعود علی. سید حسن احمد. سید

حسنی. حبیب علی دین. سید حسن احمد. حبیب

حسن احمد. حبیب علی. سید حسن احمد. حبیب

سید حسن احمد. سید حسن احمد. سید حسن احمد. سید

حسین احمد. سید حسن احمد. سید حسن احمد. سید

حسین احمد. کمال حسن. اور آور راشن : و سنا

پاریا و انگل انگلستان و سخن‌سخنید.

کوشیشہ پر یکند دھناددیں۔ حل سنتا ام۔ یا نجا

دکٹر ارشن سے لے کر سوچ دیں۔ ایک عجیب ستم جسے۔

انز راه پی سوی سعی و عدم س. دهدس دد ندیم

دعا: لعله ميسراً نهش

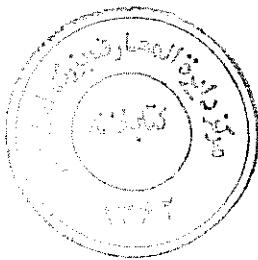
سیکھاں کے سعید روز۔ عاصمہ اللہ :

معلوم دستوران اینجا شب بوده باشد که بیدین کاوس هوم

طلب عنود جهت آن دینداران فرستاده ایم باید که دران جا

۲۷

دستوری کشتنی افرازدن بواح در بزم کشودن وقت نیزش
 سه کره کردن و برست چپ کردن : سیسی ۶۰- ملایم
 سر کندوکندو. فیض عیاد آد
 کریم. سیسی ۷۰. سیسی سدیم. کلید
 بنده. کلید ساخته است. تا سر کندوکندو
 ۶. سیسی ۶۰. ملایم. سر تیک ۱۱۳۵
 تمت تمام شد این مکتوب با همت بهمن کارس بن ماہیار
 بلنیباشتی هر کفراند رعایت نداشت



۱۱۸ صفحه دفعه ساده سه هزار

نیز نک بیشتر

کسی که نیز نک آب پادیا و کیز نخست، بر شنوم به او آید شستن که
شیشه دو عدد باشد پادیا رکنند و خشک کنند و یکی از
نیز نک آب و یکی از نیز نک پادیا و پارچه کر باس شستن و
پادیا رکردن که نیز نک بالیدن و نیز نک از کادن باشد و باکر باس
بالیدن و بشیشه کردن و سر بشیشه حکم گردن و مستور یکه نیز نک
نیزند و سرو تن شستن و جامد پاک باز نیز کشتن اکشی نو
پوشیدن بیشتر سه بیوند و نابره سه پیوند کشتن اکرسه مستو
باشد بیشتر و مستور یکه مستوار از ترا باشدند و دین آگاهه تر و دنیا زاد

سه رشی کردن در راسنی شست ساجش و نیز نک را ب بیار رش
 از درست راست از سر بر سر تبه آدشت راندرک به نهش
 نیز نک پاد بیار یکنار آب نیز نک کذا شتن و دیگر زود دست
 شستن و پیچ ک سطه سد. سعوه. خلاصه دندجه کفتن
 در راسنی سطه سد. شتم دسد. زود سعیمه ک. خلما
 سعوه. کفتن خلجه سعوه. دست به آدشت کفته و نگاه بازدا
 پر نکهای شیشه کرده در راسنی و لاج کفته درست از بر سر
 بود داشت و زود سه اشتم و بیو بیان و سور خراندن را آدشت
 شستن و زرد بوج نیز رش نیز دان خراندن و ک سطه سد.
 سعوه. خلاصه دندجه خراندن تا صعود سلطنه عاصم

بیرون. نگاه باندران شیشهای کردن ربابی راست از زودگاه
 رفتن نیز نک همی نکرید د د س ه م د د س ه. بزنکشن ل
س س ه ل س س د س ه س س. بزنکشن
ص ص د د س ه. بزنکشن و چهار تیا اهور ریو و هر بار
 بزنکشن به ا د د س ه د د س ه. نیز نک بزنکشن ل
ح س ا ب. د ک س س س ا ب. س اشم رهرو نیز نک بزنکشن
 که سل س. سیمه. مل س د د د ط. سیمه س تاس
 نیز نک بزنکشن سل س. د هم د س. راسنی کفتی و سر
 پرگردان زود اندران شیشهای نیز نک خوب بزنکشن و
 پرگرد فوز دهم آنجا که س ه س ه. مل مل س ه. صد کوش و تیا اهور

در لیو مهیست که نه نوشته که سیصد سنک پادیار خشک کرده
 بردویست بر شیشه نیز نک در بار افکنند و صد بشیشه
 آب افکنند و بعینی دستوران کفته اند که نه اواید افکنند و پاچه
 در نه سنک به نیز نک افکنند و شش به نیز نک پادیار افکنند
 و سه بشیشه آب افکنند و پر گرد هر ده م باسفی راج گفتی را استای
 کاه نادن خواندن و آب تازه را ندان و پر گرد نزد هم در سنک
 پادیار خشک کنند و زود درست پادیار کند از جمله سیصد
 هاشم و هم و بیان ایه کیک سنک در اندران شیشه به نیز نک اند
 و دو سنک از نیز نک پادیار و نراختن دیک سنک از شیشه
 آب اند راختن تا نیز نک تمام شود شش سنک به نیز نک شیشه
 پادیار

پادیار اندراختن و رسه سنک از شیشه و نیز نیک بینداختن و رنگید
 تمام خواردن به سددید. سو سعد دید. ص سعد دید. ق سعد دید
 سحق که اسد دید. سر شیشه و نیز نیک و آب حکم کردن و گذاشت
 کردست نزد در روز نیز نیک کرفتن بشب نشاید و اول و آخر
 کچ هم شاید کرفتن و شیشه میباشد پر شود از سر بر نیز در شیشه
 تمام نشاید پر بشب نیز نیک از جای خود نشاید جنبه اینکه و
 خود شنید که فرد نشاید نیز نیک از جای دیگر بردن نشاید که
 بروی هم بر نیز نیک فر نیزدان را منع خفته اند کامه باد نیک
 تمام شد

نیز نک برسم چیدن

تخت هفت شاخ برسم پاک باید کردن و بر سدان و دست
 به پادیا و کردن و چنان سازد که از نزدیکی آب تا برسم هفت کلم
 پیشتر نباشد در پیش درخت باید راستادن رچن برسم
 ی چینند پشت بر برسم پاک نکند که همچ کارشاید و بر سر چین
 میباشد که شایی که تاک برسم داشته باشد بید آکند و دست
 راست با کارد راز سرمه تاک برسم که از زد سه ساعت
 کل است. سعی دستی فیض. چهار سعی. سیستمی که ملاجیم
 سه هفده دستی فیض. هر کاه که باشد دهد سه
 دیسیم. ملاجیم بود دهد سعی. چهار سعی سیم بود دهد سعی.
 ملاجیم سه اند سعی

ملاجیم سه اند سعی

میخیستم دادم. نکس سبکی داشت. که: میخانه

که سولس. سیمه. ملاید داده بودند.

تاسر ۱۴۶۷م. داده داده بود. سداد سوچه بود. گلکوب

چشم. سیمه. سیمه. دار و درخت همان ہنگرشن را

برسم بار نماز بردن را سیمه ۱۴۶۷. او اید خواهد

سیمه ۱۴۶۷. که میکوید سر برسم او اید درشت میخانه میباشد

برسم کار دمیزند ملاید داده ۱۴۶۷. برسم به چینه تا تاک

برسم به این آئینه چینه شود ہما که یک تا کی او ادیا و بیداش

واج او اج کیرشن کش سه تاک ہے او ستا بچینه شود و هر تاک

او ادیا و بیداشی و اج ال کیرشن و بعد از اون هر شاخی که برسم با

به چیزی نه و عیوب یا نکنن بچینند بعزم ازان باید و راج بکوید و آن
 شاخ کر برسم سه تاک جدیده اند بکیرند که سه سه سمعه.
 ملود دلدهه در سمعه هسته است. تا سر دلده ملود
 دد سمع. ملود دد دد سمع همسو همسو شفتم دد سمع.
همسو همسو دد نسخه. ناید که زری بسوی راه ختن باشد چه
 ولح میخواند باید که سر برسم سوی راه ختن باشد و برسم که
 بچینند بمن و سر برسم می نکرد اول بمن برسم بر باید چیند
 رز بالای برسم بقدر یک دانه خوشتر شد بزرگ که بکاری
 ناید و دادیا ببود رز بمن برسم اگر پیشتر به بزرگ شاید باید
 که برسم طاق باشد و چون راج تمام خواهد گفتی برسم ببر سدان
 کن

کنه رجای خوش نهاد سعی ۶۴. ملطفه یک سعی

سد دستیع سعی س. تا سرگفت

تام شد

نیز نک بر سر شش

کاهی ز پیدا نه کرده فر کاه هارن شویند رش و ر داشت

کشن سعی ۶۴. ملطفه س. سد سهی

هر کاه که باشد سعی دستیع س. حسی و سعی. سعی دد س.

صیح. سعی سوی سعی. س. سعی سهی

رش و لاج فراج کیرشن سعی ۶۴. ملطفه س. بکوش

رش س. باریج بن اوس سر شوینش اش یکی در دیگر بکوش

اُش ایبار اج سر پیش ہے اُو بُن شویش اُش ایدون کہ ہر

بَارِي او ہر جای پادیا را رہ برسید کہ فر سہ بار ایبار بر سید

تَامَّ شد کَر

نِزَنْک بِرْسَم بِتَن

مَلَقَم سَعْلَلَتْ سَعْدَ دَسَّنْدَسَعْدَ سَعْدَ دَسَّنْدَسَعْدَ

٦٤. مَلَقَم سَعْدَ سَعْدَ کَفَتَنْ دَسَّنْدَسَعْدَ اَفْنَنْ، ہر کاہ کیسِ کفَتَنْ

سَعْدَ دَسَّنْدَسَعْدَ، سَعْدَ دَسَّنْدَسَعْدَ، سَعْدَ دَسَّنْدَسَعْدَ

دَسَّنْدَسَعْدَ، مَلَقَم سَعْلَلَتْ سَعْدَ دَسَّنْدَسَعْدَ، مَلَقَم

سَعْدَ دَسَّنْدَسَعْدَ، سَعْدَ دَسَّنْدَسَعْدَ، سَعْدَ دَسَّنْدَسَعْدَ، سَعْدَ دَسَّنْدَسَعْدَ

سَعْدَ تَکَسِ کَفَتَنْ بَنْ بِرْسَم بِتَنْ مَلَقَم سَعْلَلَتْ سَعْدَ

سَعْدَ دَسَّنْ



سو و دوسته بیم۔ کسرو بیم۔ عیو یا عنکن اور میان برسم
 نہادن سیسی ۶۔ یکی کفتن سیسی ۴۔ و۔ دلو چاند ۲۔ میان
 پلسته دوسته ۲۴۔ سی جین ۷ کے سول سد۔ سعیج۔ ٹلس
 د کددھ۔ د کفتن و فر بر سیبی سلائے سا سانچے۔ دز
 کرو چین ذکستی اور برسم انگلند کے سول سد۔ سعیج۔ ٹلس
 سبھے دھپڑے: د کفتن کے سعد ۴ چند س۔ ۷ سد:

سو و دوسته ۳۵۔ کسرو بیم۔ دیسی د دسیم ۴۔ سی سیم اس
 ۳۴ سعیج۔ اشم و ہر فر سرہ اور اید کفت کے کر

تمام شد

نیز لک ہوم چین

برستور برسم چندی راچ کرفتن و بهان دستور چیدن و سه
کوه هوم اویل کر - رشم و یو چیتند در میان ایکشت نکاهه دارید
و هر چیزکه خواه چیدن و ف هوم دان کردن و بهان شاخ بگشود
برسم چیدن و راج یکفتان آن سه کوه هوم را هم بیو مدان کردن
و سه بیو مدان حکم کردن و دست داشت از هوم دان جدا کردن و
راج تمام یکفتان که هوم شویه سه هم - ملکه -
لکنند دسته ایم - هر کاه که پید بدهیم سه هم -

فیض مدد سو سوئن ہے۔ بل و میرزا علی مسعود

مولو: سکے: پہ: رُشن راج فراج کیرشن صفحہ ۴۶۔ ملائخہ

چہ سہ بکوشن اُش ہر باری دست رجاءہ ف پا دیا وہ رکن

٦٣

تارندر او کار کرفت که همی پادیا و به بید رش فراستا

او اچ شوشین کش اندز او کار کنند او اشتن کا نیست

ئى ئى تمام شد ئى ئى

اوردام چىن

تخت پاي اوردام خايي کردن و آب پادیا و کردن و اوردام

شستان بى سەھلىك، سەھىھ، سەھىھ، سەھىھ.

سەھىھ، مەھىھ، يك كفتن و دىكىر بار آب پاديا و

کردن و درست و کارد و اوردام پادیا و کردن و اوردام تر شىنى

وارىزكى سر اوردام پورداشتىن سرىكىر بار بى سەھلىك

لە، سەھىھ، سەھىھ، سەھىھ، سەھىھ، مەھىھ، مەھىھ.

یک کفتن و آب پادیا و کردن و دست و کارد و اور رام
 شستن و سینه هم. سر اور رام چیدن و بره طلا خلاصه
 کارد اندر میان نهادن و بره طلا سعید صعیده هم. چیدن
 سعیده هم. دندفعه سب. تا جایی کفتن و اندر اور رام دان

نهادن شد تمام شد بکه شد

نیز نک جام کرفتن

جلم دان پادیا و کردن و پر آب کردن و بره آن آب پستان
 کاو ایا کو سفند شستن و دست راست به پستان کرفتن
 و جام دان بدست چپ کرفتن به پسوند راست راست بکه

نمی سهی شد. سعیده هم. سعیده هم. سعیده هم.

طلا خلاصه

طلایاریم. سه کفتن هند دسته ایم. کام آن بید

اگر کارایا کو خنک یک بید بید بید دهیم. هم سخما بید. هم

دنه. دده ایم. هم سعد ده. هم دنه. دده ایم. هم سعد

ددنه. هم دنه. هم دنه. هم دنه. دده ایم. هم سعد

سعد دله. آن هم ایم اگر در بید بید دنه. هم

سخما بید. هم دنه. دده ایم. هم سعد دسرو ۶۰. هم دنه

هه ده سعی و نهاده. دده ایم. هم سعد سه دله. آن

هه دله. آن اگر سه بید ایا کله بید بید دنه. هم سعد

بید. هم دنه. دده ایم. هم سعی سه دنه. هم دنه.

هه دنه سعی و نهاده. دده ایم. هم سعد سه دله. آن

ملایم داده بود. سلام می. تا سر کفان و پس سمع
 می. اندر کی در شد محسنه. اندر کی در شد محسنه
 می. اندر کی در شد سمعنی. اندر کی در شد محسنه
 اندر کی در شد ملایم سمعنی. اندر کی در شد سمعنی
 می. اندر کی در شد محسنه. اندر کی در شد محسنه
 ملایم می. انجایی هر چند که خواهد در شد و بهان پستان
 که اول در شیده که راج کر فته اندر کی در شد سمعنی. محسنه
 محسنه سمعنی که کوید هما کار یا کوشند بنگد به هر راجه یک
 در شی بر داشت تا سر آخ ز پس هر چند ان که خواهد بر داشت در پس
 آن

به آن پستان کر و راج کرفته ب آخر راز بهمان پستان جدا نکند و
 کویی صور دسته علیه می باشد. راست بهمان پستان جدا نکند
 که سطح سمعه هم، ملوس داده شده باشد. در مسعد ۴۶ هجرت
 آن سمه: بی دفعه بی دفعه بی دفعه تا سر کرفتن و جامدان
 محکم کردن و بجایی نهادن و راح تمام کرفتن شد شد

تمام شد

نیز نک زور کر کرفتن

آب پادیار کردن و زور کردن زور دادن پادیار کردن و سرمه
 آب برداشت راست و زور دادن برداشت چسب کر کرفتن لک
 سمه علیه است. سمه دسته علیه عسل سعف سعف سعف سعف

~~بلطفه عزیز. بجز خود داشت: کاه آن بی سده در راه.~~

بلطفه در راه. بلطفه سازگاری داشت. بجهت عزیز خواست

سهم سازگاری داشت. بجهت عزیز خواست. سه دسته داشت. این دو

سلیمان. سه عزیز. سه شرکتمند. گذروی سهم داشت

نهی. هم مدد داشت. سه دسته داشت. سه دسته داشت. این

سهم خالص است. از آن دو نیز سه عزیز. سه عزیز. خواست

مدد داشت. سه عزیز. تا سر کفتن داشتم. و حکم

طغیت داشت. سه دسته داشت. سه دسته داشت. بلطفه

درست. سه عزیز داشت. بلطفه داشت. سه عزیز

دشمن داشت. دشمن داشت. دشمن داشت. دشمن داشت.

(۴) ^{جایز}

رع^ح می^و سیم س^ه سیم س^ه س^ه س^ه. از آب^ل می^و س^ه س^ه:
 آب^ک در^ب زور^ر دان^ب باش^د ریختن^س سیم س^ه س^ه. پاد^{یا} ران^ر
 دار^شن^و دیل^ف سیم س^ه س^ه. زور^ر دان^ب پُرآب^ک کرن^د د^د
 ای^ل س^ه س^ه س^ه. رز آب^أ دار^شن^ك س^ه ل^ع ع^ع م^م س^ه س^ه:
 و^س س^ه س^ه. رندر^ر راهی^ی بی^س س^ه ل^ع س^ه د^د د^د. د^د د^د
 د^د د^د د^د. آنجای^ب نیش^ن س^ه ل^ع س^ه. س^ه ع^ع. م^م د^د
 د^د د^د د^د س^ه د^د د^د د^د. اف^أ س^ه د^د د^د د^د
 د^د. م^م س^ه د^د د^د. اف^أ س^ه د^د د^د د^د. ک^ک ک^ک

عام ش

نیز نک فرا هوم کرفتن

که فرا هوم کیز نمود ایسم و بیوی یک تاک ایچ کسته راست نیشن

و هوم در دران قرچندرش ب پیدانیش و هوم ذکسته سره

و ذ دشیشته بیست و یک کره در دران اندر آب همی نیشن تا

او ایچ او ب هر هوم آمید فر پادیا که رز آن زور او اشتو میدرث

که یکه دو دیگر فر این کار اول شتو میدرثای و پس مل مساس

خطه است - سه دسته هم - سه دسته - سه دسته - مل

سیم سی هند دسته هم - اذ ب هم سوا می خواهد دسته

هند دسته هم - ده ده ده دسته هم - سیم سه دسته هم - ه

هند دسته هم - یک دسته هم - سیم سه دسته هم - ه

مل

میله نمیله : نمیله سمعن و سمعن ملمس دندنی
 سلم س. دندن. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر
 هنر. کردن درست سه کره هم پالا از روی اورانی بربالا
 داشتن سه دندن. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر
 بینکشن سه دندن. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر
 سمعن ددد دندن هنر. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر
 سمعن دندن هنر. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر
 هنر. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر
 دندن. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر
 ۶۴. دندن هنر. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر. هنر

وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ - وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ - إِنَّمَا يَرَهُ عَيْنَاهُ

كَمْ يَعْدُ دُنْيَاهُنَّ دَرَجَاتٌ - وَمَا يُوَدِّهُ دَرَجَاتٌ - إِنَّمَا يُوَدِّهُ دُنْيَاهُ

سَعَى جَثْمَانُ زُرْزُورٍ كَرْدَنْ - وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ - فَلَمَّا

أَعْلَمَهُمْ بِمَا يَصْنَعُونَ - وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ - فَلَمَّا

أَعْلَمَهُمْ بِمَا يَصْنَعُونَ - إِنَّمَا يَرَهُ عَيْنَاهُنَّ دَرَجَاتٌ - وَمَنْ يَعْدُ دُنْيَاهُنَّ دَرَجَاتٌ - إِنَّمَا يَرَهُ عَيْنَاهُنَّ دَرَجَاتٌ

كَمْ يَعْدُ دُنْيَاهُنَّ دَرَجَاتٌ - وَمَنْ يَعْدُ دُنْيَاهُنَّ دَرَجَاتٌ - وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ - فَلَمَّا

أَعْلَمَهُمْ بِمَا يَصْنَعُونَ - وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ - وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ - فَلَمَّا

أَعْلَمَهُمْ بِمَا يَصْنَعُونَ - وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ - وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ -

وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ - وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ - وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ -

وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ - وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ -

وَهُنَّ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ أَعْلَمُ بِمَا يَصْنَعُونَ

و سیزدهم سعی. ملائمه داده شد. گرسنگی داشت

دندان. پی سرمه از عجم بود. مصلحت آن را نداشت. چشم به برم

اکنون بسیار خوب نبود. میتوانست همان را بینی بخورد. سمع و دماغه

بهم. حالتی نداشت. نعمت داشت. ۶۲-۶۳-۶۴. سمع و دماغه

بهم بود. اسرار بود بر نکرشن لایه بجهنم بود. آتش به

نکرشن بود. سلکت سو داشت. گرسنگی داشت. گرسنگی داشت.

رو دل است. ملائمه داشت. ملائمه داشت. گرسنگی داشت.

س. سیزدهم. ملائمه داشت. نیز دل داشت. و سیزدهم

پنجم. سیزدهم. ملائمه داشت. ملائمه داشت. سیزدهم. و پنجم

سیزدهم. سیزدهم. ملائمه داشت. ملائمه داشت. سیزدهم. و پنجم

کسرو سد. تاریخه سیسی سیسی ایه. داده داده داده
 ده: دله: دله: ده: سیسی ایه. داده داده داده
 داده داده داده. داده داده داده داده داده داده
 کسرو دیه. سیسی ایه. داده داده داده
 دله: ده: سیسی داده داده داده. سیسی داده داده
 کسرو. دله
 داده
 سیسی ایه. سیسی ایه. سیسی ایه. سیسی ایه
 ۶. سیسی داده داده داده داده داده داده داده داده
 سیسی ایه. داده داده داده داده داده داده داده داده
 داده داده داده داده داده داده داده داده داده داده

۶. سعد دی سعد چن. سعد چن. ری چن : سعد دی سعد چن.

سوندی چن. سونو چن. سوندی سوندی. سوندی سوندی.

بی سوندی. چند ادد چن دی. چند ادد چن دی چن دی.

کوکه ہوم پالا اور روی اُر ویں نہادن سونجھی سانچھی. دی

۲۴ چن سانچھی. سعد : سعد سانچھی : سعد سانچھی

سوندی دی چن. سونسون چن. سوندی دی چن. سوند

۳۴ چن. ہارن نٹ نیدن رٹ کافتن سونچھی چن. سون

سونچھی. سونچھی : ہلٹ : ہلٹ : ہلٹ سونچھی.

ری چن : چن سونچھی چن. چن سونچھی چن : چن سونچھی.

سونچھی چن. سونسون چن. سونچھی چن : ہلٹ
وکر :

ل : ل : سیم. ویس : چد لسته. قل طرد

بی خرد بی دم خرد نی. سی سی سی سی. بی خرس سی سی.

رسی دسته. نی سی سی سی. بی خانی خانی. اسی سی سی

کی سی سی سی سی. کی سی سی. بی سی سی سی سی سی

ک : ک : ک : ل : ل : سیم. ویس. سی دسته :

روز و راه کفان می سخن - سلیمان. سی دسته. سی دسته. ۶۶

کی سی. ل : ل : دل لند. چیم. بی بی بی بی بی بی بی. او

سی سی جاد ای ای ای ای ای. سی سی سی سی سی. بی بی بی بی بی بی :

کی : کی : ل : ل : سیم. ویس : بی سی سی دسته

دسته. دسته دم سی سی سی سی. سی سی طریق دسته دسته

و دیگر چشم سلطان هست که: ملائکت: پنهان شده.

ویس: سمع خواهد بود. هنوز سمع نداشته. آن سمع

دستور داشت. در آینه هنوز سمع نداشته: ملائکت

: پنهان شده. ویس: ملائکت سمع دارند: دلسا

خواهند سمع داشت. آن سمع: ملائکت دارند: سمع

و خواهند سمع داشت. و دلیل بعد از اینجا: بعد از

سمع داشته باشد: همان لاست نشانیدن داده. من سمع

646. سمع دارد. در سمع خواهد بود: هر چه را

ایندرها نمایند. 647. سمع دارد. در سمع خواهد

بود. سمع دارد. در سمع خواهد بود: نهاده

طی. اف ارعه کسیو سه سهم سه خوش سه بدل کن
 کیست کن دهه همچون یعنی. تعداد هم سه خوش یعنی فتن. هم سه
 سه هم اصل. سه هم ۶۴ هم سه. کهند سه هم نهاده کن
 ده خوش سه ایکه. (دند عرا ایکه) یعنی سه. سه سه ایکه.
 کهند سه سه ده دل. کهند کهند یعنی. سه سه ایکه. با این
 کهنه را سم برد نهاده آتش ارعه برشن سیخ میخ ۶۴.
 طی و ده سایه. راسته هارون از اروپین برد آشنه کسید
 سه ۶۴. سه ۶۴. سه ۶۴. سه ۶۴. سه ۶۴. سه ۶۴.
 کهنه. سه ۶۴. سه ۶۴. سه ۶۴. ده سه سه سه سه. سه خوش یعنی.
 کسید اد ده رس. (دند عرصه پا). چشم از بر را اخترافت آنید

میم سول سد. سعی دیسته هم. ملکه دیده و که
 مه. چشم و روی از نر او اختراق نیند و میم میخواست
 د. چشمی سعاد دستگاه. و سعی دستگاه چشم و روی
 از نر او اختراق نیند و میم سول سد. ملکه دیده سا
 نگاه. و سعی دستگاه. چشم از نر او اختراق نیند ملکه
 دستگاه خدمت. و دستگاه. دسته از روی یانک
 ارویس پرداشتند و سه بار برسارن زدن یکی از آنکه
 خوشید برآید و یکی نیم روز و یکی از آنکه آفتاب فرود و در
 دسته هیئت لکاه دراشتند هکتو سول سد. سعی دیده
 بیمه عیو و سعی. هیئت دیسته هم. سعی دسته هم
 چشم

صھی. آن وسیع ساخته. سعیت صھی. فخر کند
 و سعیلہ سعد. دسته چهار انگشت بلالا بردن و دسته فرود
 آوردن و ببر روحی کارون نہادن و گردانیدن مثالیکه خوشید
 میکرد و پس چهار کے سعلہ سعد. سعیم. حلبی دلخی
 کفتن و تیا اہور ریو اول، ه مسون سعلہ، اساتر کو.
 یکبار هوم و رُزورام کونفتن سعیم دفعہ. یکبار
 ھسرو سعد. یکبار تا مل سعیم سعیم. و پس
 دسته چهار انگشت رز کارون جد آکردن و بلالا دراشتن و به
 تیا اہور ریو دویم هم این راجھا ہر واچہر دوبار کونفتن
 ناسر و تیا اہور ریو سیوم دسته بالا ترد اشتن و هم

این را چهار مرار چهار سه بار کو فتن و دسته چهار زنگشت
 هلا اتر داشتن بر دست کوش و به تیار ہو وریو چهارم
 همراه کو فتن و ہاون شکافتن ناسه عسیوس سعی
 همچنان چهار بار کو فتن همراه ہوم و اورام کو فتن و ہاون
 شکافتن بعد سعد دخیل چهار بار
 کفتن در ہوم و اورام کو فتن و ہاون شکافتن سعی
 چ. حلیمه چ. سه کفتن و بھر حلیمه چ. یک پاره زور
 ایور ہاون ریختن و پس بھی چ. سعد دخ. بھی سعی
 سود سیتمد. اٹ سعد دخ. سادھم س. ملائ
 سعی. بدی چ. ہاون چون ہو رشید کرد سه بار بکرد ایند
 ی. ۴۰.

۱۴۰۶۰۵۶ سعد دهجه. ص مکت - سو ۴۵۰ | ۰ هموار

ارورام کوفته انو سرد است یاون نهادن ربوبی چب برم

رورس بردن و برورس هر برم نهادن که سط سد.

عده، ملائمه دهدجه. چهار گفتگو هر هوم رارورام کوفته

بر آب زده اندر کردن بروی هوم پالای بالای سوکره فر

ط سیمه عده هم سد. افشاردن بیر چهار تیا هروریو

این چهار کردن که، عدد دده دهجه. آن سو سد

هوم و ارورام افشاردن و هر بار فر و سیمه دده سد

نه بیمه. لایه دهجه. هرسه بازیه این آینه کردن و پس دسته

اندر گاردن نهادن و سوکره، فرا هوم خوده بروی یاون نهادن

دفعه هجدهم. دی سیمیه قصد دس. تا سیمیه مسند هجدهم
 س. آن سوکره و که زیر هوم پالانهاده بست کش آب فرا هوم
 اندر بست بست برداشتی و یک قطره بسوکره و
 روی یارون کردن و رباتی اندر شیشه فرا هوم دان کردن و باز
 یک قطره اندر سوکره روی یارون انداختن و دیگر باره هوم
 پالا بر روی آن سوکره نهادن و قدری آب پادیا یی بهوم
 پالا ریختن را فشاردن و غالیدن هوم و ازورام را و یک
 اشتم و هم خوارندن تا سوکره پر شود و باز همان آینه یک
 قطره بسوکره روی یارون کردن و رباتی اندر فرا هوم دران
 کردن و باز یک قطره بسوکره روی یارون کردن و سے
 اشتم و هم

پشم و ده هزار سه بار به این آئینه کردن و پس فراز همدان حکم
 کردن و بجایی پاک و محکم نهادن فراز همدان هر چند آئینه شرکت
 پاکتر و بیشتر راست پس راست بیهوده و درس نهادن و زود
 و راح کرندن و راسفی و راج کفتان راست لازم برسم و درس
 و راح در شتن آنکس کوشت کامید کردن راست خ پاریا و به
 کنشن راج راج راسفی کش فراز هم کرفته بید فراح کیرید رآ در
 کاه شستن راسفی کش فراز هم کرفته بید راست خ برسم و
 درس دارید چنین کوشت ساختن فراز کوشتن سه سه
 سه سه . ملید دهد . می معدود ۴۴ صدی . ملی : آخ
 سه سه دی سه سه دی سه سه

لیست. سیستم ملی امنیت. نیز در سیاست داد و ستد. دست را برسیم

در این اولیه در این فرایند هم کافتن نه تنها یک کد

کد است بلکه یک سیستم است. نزد کوشن نیز در سیاست داد و ستد

آنچه. برگشتن ملی امنیت سیاست داد و ستد. سیاست سیاست

سیاست داد و ستد. نزد کوشن در این اولیه در این فرایند

دارش برسیم که درست کردن نیز نیز تا اخراج آنکه کار

تمام شد

نیز نیز در این پنج قسم

نخست دیگر فرایاد یا اوکردن وزیری اور کافتن سرهیز

در آتش برد و امام زینه افکنندن پس از این فرایند خود را کافتن

و داشت

درست و درس ب پاریاد کردن و سه ساعت ۴۵. ملحوظه.
 اج سرتا رعیت بن شستن فریک ساعت ۴۵. ملحوظه.
 اج بن او عسر شستن اوس حلقه کردن و اندر دیک نهادن
 تا جوش اور آزو بید چون به جوش آید پنجاه دیکبار اور
 شمردن اج آتش اور کرنن برسم چین اج دیک اور آزو
 و دو دیک همچنان پیش بید پس از حلقه بکشادن درست
 و درس ب پاریاد کردن و اج اور مزد کرنن سه اشتم و هشت
 اج بن او سر شستن و فر حلقه کردن و جای فر پاریاد پر کردن
 و درس حلقه کرده هزار دیکبار ب آب بردن و اور اج آوردن
 و شستن پس همچون که حلقه بود بگار بردن : فر جام یافت

تمام شد این نیز نکهای از روی کاه برس ایران یک کتاب
 در کتاب نجاشه در باب فضیلت پناه و دافعه و استکاه خود شنید جی رشتم
 کاماجی نوشت ایران بود ازان کتاب نقل کردم در اران کتاب در
 اوستارا شم و هی و تیا ای وریون نوشت بود عجای آنها اشم و هور
 تیا هور ور لیون رشتم و دیگر بچ تفاوت نیست کاتب دمالک این
 حقیر ایرج جی دستور شهراب جی بن دستور کاووس جی الملقب
 بدرستوران دستور نفر ک مهوجی ران اسکون قصبه نوساری نیزدان
 رامش افغان کام باد ایدون باد ایدون تر باد
 تمث الخیر بوز مبارک ارد پیشت دماد دی سنت هزار و دو صد و
 چهل و پنج از شاه نیز در شهر یارسان تخته خجسته ایران

الاصل نز

مداداصل کتاب نام کاتب و تاریخ رساله نوشته بود بسب

که می بود آن نوشتم می بود

ک ک ک ک
ک ک ک ک
ک

این مکتوپ از نهادستان بایران فورشته بود

فرسته خصلستان و ملایک اقتداران و مجتہ اقبالان و نیکو فعالان و
 روز رو شب طاعونت کناران و خاصه دستوران و موبران و هیربدان و
 بهرینان ساکن و لامیت کران زمین دیند و تراکا باد و غیره پوسته
 در آینه آینه و روح جهاد دین به مازدینان مقید و سرکم بود شاد
 کام و مفظی المرام دین و مازدینان باشند و از بخانان و مغلان
 و مشتاق دیندر هیربد رستم مانک مهره نوش و هیربد داراب پالن
 فریدون و دستورزاده رسم هیرام و دستورزاده نوروز شهریار و
 دستور رستم ماہیار و هیربد رستم خورشید و هیربد جشتید کیقباد و موب
 آرزومند بدل و جان مشتاق کاتب الحروف دستورزاده رستم جوک
 و بهرینان مکرمان خصوصاً بهرین جی جی لهراسب و بهرین ناهاز بهای

بیسمی و کنوزیری و بهرین رستم دهنجی بوهره و بهرین رستم بن
 رانا و بیرین ریس داراب بوهم و بهرین مقدم اسفندیارین کیقباد
 ربن خوارشید رانا و بهرین شاپور بیکلیا و بهرین خوارشید لیمی
 و بل تمامی موهران و هیرهان و بهرینان قصبه و نوساری و بهدر
 مبارک سورت و بهدر بهرچ و دیگر شهرهای تو ایچ ہندوستان
 جی تاجع از مهران تا کتھران بعد از اخلاص بچتنی و مراسم شاد دعا
 کویی و آفرین خوانی در درود و تحیات و اظهار ہزار کوش راشتیاق
 ملاقات بجهت سمات یکدیگران مکثوت بر ضمیر منیر مهر تنوزیر
 خوارشید نظر کمیا تاثیر میگرداند که بعضی را واجھای دین به مازدیست
 باینجا بان اختلاف بمن میاید در میصورت مناقشہ میان
 دستوران و بهرینان مردم در میش است بنا بران بکرامی خدمت
 کعادت

سعادت آن بزرگان مقید عده میکردد و امید که روز میان مناقشهای
 مرقوم یکبیک دارای سیده و خوب غورسی و غواصی نموده از وزیرها
 دراز زند و زیر آن باعثی در خارسی بفرخ بست بنام دستوران
 و داشمندان فرمایند که متناسب آن بعل ازند که غرضه و مناقشه رز
 میان یکدیگران برخیزد تا شک رشته درگرد و تسیی خاطر ردل
 روشن بشود و دیگر مکتب و پرسش جند که چهار دیگر رتبه با خانه‌بان
 نوشتی بودند اما جواب با صواب یکی سفر را زد و ممتاز شده امید که
 از این پرسشهایی کمال موطلع شده و در سال خامیند که بموافق آن بعل
 آزاده و همیشه بر عاکوی ابد پسند آن بزرگان باشد و از ایندی پی
 یعنی استرعا و امید چنانست که دستیم بر انکنیزد که دوستان و
 یکجیه‌تان «ین بھی با هم فرام آیند و ذات ملایک حففات و لالا درجات

این آن اقبال بـ^{لـ}حال پـ^{لـ}گان و رسـ^{لـ}د عـ^{لـ}ت و دـ^{لـ}لت تـ^{لـ}کـ^{لـ}یـ^{لـ} دـ^{لـ}شتـ^{لـ}
 پـ^{لـ}وـ^{لـ}ستـ^{لـ} سـ^{لـ}بـ^{لـ}ندـ^{لـ} کـ^{لـ}نـ^{لـ} و اـ^{لـ}کـ^{لـ}یـ^{لـ} آـ^{لـ}فـ^{لـ}ابـ^{لـ} عـ^{لـ}التـ^{لـ} دـ^{لـ}لتـ^{لـ} رـ^{لـ}زـ^{لـ}اقـ^{لـ}ونـ^{لـ}
 و هـ^{لـ}موـ^{لـ}هـ^{لـ} بـ^{لـ}هـ^{لـ}ارـ^{لـ} جـ^{لـ}ع دـ^{لـ}ستانـ^{لـ} تـ^{لـ}اـ^{لـ}نـ^{لـ}هـ^{لـ} و رـ^{لـ}خـ^{لـ}انـ^{لـ} بـ^{لـ}ادـ^{لـ}ایـ^{لـ}رـ^{لـ}نـ^{لـ} بـ^{لـ}ادـ^{لـ}
 اـ^{لـ}یدـ^{لـ}ونـ^{لـ} تـ^{لـ}جـ^{لـ} بـ^{لـ}ادـ^{لـ} زـ^{لـ}ارـ^{لـ}هـ^{لـ} چـ^{لـ}بـ^{لـ}یـ^{لـ} اـ^{لـ}دـ^{لـ}بـ^{لـ}یـ^{لـ} نـ^{لـ}مـ^{لـ}ایـ^{لـ}دـ^{لـ} جـ^{لـ}هـ^{لـ}انـ^{لـ} تـ^{لـ}اجـ^{لـ} اـ^{لـ}رـ^{لـ}بـ^{لـ}ودـ^{لـ}هـ^{لـ} و رـ^{لـ}ادـ^{لـ}اتـ^{لـ}
 نـ^{لـ}وـ^{لـ}بـ^{لـ}زـ^{لـ} حـ^{لـ}اـ^{لـ}صـ^{لـ} و سـ^{لـ}عـ^{لـ}ارـ^{لـ}اتـ^{لـ} جـ^{لـ}اـ^{لـ}دـ^{لـ}انـ^{لـ}یـ^{لـ} مـ^{لـ}تـ^{لـ}وـ^{لـ}صـ^{لـ} بـ^{لـ}ادـ^{لـ}
 پـ^{لـ}رـ^{لـ}شـ^{لـ} اـ^{لـ}ولـ^{لـ} اـ^{لـ}نـ^{لـ}کـ^{لـ}هـ^{لـ} کـ^{لـ}سـ^{لـ} کـ^{لـ}رـ^{لـ} کـ^{لـ}زـ^{لـ}شـ^{لـ}تـ^{لـ} شـ^{لـ}وـ^{لـ}دـ^{لـ} و رـ^{لـ}اـ^{لـ}کـ^{لـ}نـ^{لـ} مـ^{لـ}یـ^{لـ} پـ^{لـ}وـ^{لـ}شـ^{لـ} مـ^{لـ}دـ^{لـ} و دـ^{لـ}قـ^{لـ}تـ^{لـ}
 کـ^{لـ}نـ^{لـ} دـ^{لـ}ادـ^{لـ} یـ^{لـ}کـ^{لـ} پـ^{لـ}اـ^{لـ}رـ^{لـ} چـ^{لـ}کـ^{لـ} رـ^{لـ}بـ^{لـ}سـ^{لـ} لـ^{لـ}عـ^{لـ}یـ^{لـ} پـ^{لـ}امـ^{لـ} بـ^{لـ}رـ^{لـ}بـ^{لـ}یـ^{لـ} و دـ^{لـ}هـ^{لـ}نـ^{لـ} یـ^{لـ} بـ^{لـ}نـ^{لـ}دـ^{لـ} و پـ^{لـ}سـ^{لـ}
 کـ^{لـ}نـ^{لـ} بـ^{لـ}رـ^{لـ} و مـ^{لـ}یـ^{لـ}کـ^{لـ}وـ^{لـ}نـ^{لـ}دـ^{لـ} کـ^{لـ}رـ^{لـ} زـ^{لـ}دـ^{لـ} و نـ^{لـ}زـ^{لـ}دـ^{لـ} اـ^{لـ}دـ^{لـ} بـ^{لـ}رـ^{لـ} کـ^{لـ}رـ^{لـ} هـ^{لـ}زـ^{لـ}دـ^{لـ} هـ^{لـ}زـ^{لـ}اـ^{لـ}یـ^{لـ}
 بـ^{لـ}رـ^{لـ}شـ^{لـ}تـ^{لـ} اـ^{لـ}سـ^{لـ}فـ^{لـ}تـ^{لـ}انـ^{لـ} فـ^{لـ}رـ^{لـ}مـ^{لـ}دـ^{لـ}هـ^{لـ} اـ^{لـ}رـ^{لـ}تـ^{لـ} کـ^{لـ}رـ^{لـ}دـ^{لـ}هـ^{لـ} اـ^{لـ}شـ^{لـ} رـ^{لـ}اـ^{لـ}پـ^{لـ}امـ^{لـ} بـ^{لـ}تـ^{لـ}نـ^{لـ} درـ^{لـ}تـ^{لـ}
 اـ^{لـ}رـ^{لـ}تـ^{لـ} و بـ^{لـ}عـ^{لـ}نـ^{لـ}یـ^{لـ} هـ^{لـ}سـ^{لـ}رـ^{لـ} مـ^{لـ}یـ^{لـ}دـ^{لـ} کـ^{لـ}مـ^{لـ}نـ^{لـ}یـ^{لـ} و نـ^{لـ}زـ^{لـ}دـ^{لـ} اـ^{لـ}دـ^{لـ}رـ^{لـ} اـ^{لـ}رـ^{لـ}تـ^{لـ} یـ^{لـ} اـ^{لـ}نـ^{لـ}یـ^{لـ}
 رـ^{لـ}وـ^{لـ}ایـ^{لـ}تـ^{لـ} درـ^{لـ}تـ^{لـ} پـ^{لـ}سـ^{لـ} معـ^{لـ}نـ^{لـ}یـ^{لـ} هـ^{لـ}رـ^{لـ}وـ^{لـ} رـ^{لـ}اـ^{لـ}جـ^{لـ}وـ^{لـ}بـ^{لـ} سـ^{لـ}رـ^{لـ} فـ^{لـ}رـ^{لـ}زـ^{لـ} عـ^{لـ}اـ^{لـ}نـ^{لـ}دـ^{لـ} چـ^{لـ}رـ^{لـ} کـ^{لـ}رـ^{لـ}دـ^{لـ}نـ^{لـ}

هـ^{لـ}بـ^{لـ}لـ^{لـ}

ماپاکی راسته است

پرسش درین اینکه چون آدم را وقت مردن تردیک آمد و هنوز کسی
 یکدو دم زنده راست ریا جان پرورن رفت آنوقت در بهرین مرد و اج
 سروش و پوند هر دو شده و سکدید کرده و آن مرد متوجه قارامیکرد و گفتن
 میپوشاند و بعد در خانه باک کشی کرده و آن مرد را میکند و زنده خود
 را غسل نمیکند و میکوئید که در وقت زنده این را کرفتم غسل و رجب شست
 و بعضی میکوئید که تا جانه است باکست وقتیکه جان رفت ناشد
 درین باب روایت شهرات مید ہو که معنی در آن زمان بتر است
 که جان رزق پرورن رفت و اینچنان در روایت فرموم است بنابر
 برای خدمتہ قلی خوده نمیشود که ہر دو شخصی بهرین را غسل و رجب میا
 پاند پرسشی سیم اینکه آفریانکان اشور و انان در دان کم بروز کار

خود شه هزار و بهصد و نو دنگ که میاید آنوقت موبدان که افزینان کشند
خشونمن سعی سدا نمایند. کشیده سعی سدا نمایند. خوارنده تا اینم

نماین باید یا که سعی دهی و حسنه س. باید و جر جون

پرسش چهارم اینکه جشنها چند که فرموده راست بیش از که آبان
ماه مبارک و روز آبان و ماه مبارک آذرو روز آذر این طرز جشنها
چند که روز و ماه یک جامی افتاد آنرا مان جشن فرموده راست این چه
سبب راست خدای تعالی دران چه چیز پیدا آورده راست و هر جشن
چه معنی دارد پرسش پنجم اینکه روز اسفند مردم و ماه اسفند رفته
ام اسفند موبدان درون کری نیزند خشونمن هفت ام اسفند منجوانند
در روز خرداد و ماه اسفند رفته که درون می نیزند خشونمن کاته اکنیخواند
این چه معنی دارد اینجا کاته اچه چیز راست و این کاته اغیر پنجی و همیا

در راسفند در مژده ما و روز خرداد کا تها خود رون چه سبب دارد
 پرسش ششم اینکه کار درون لیسته دارد و خود رون رو راست یا نه
 پرسش هفتم اینکه چون کالبد را شو زر تش است اسفناک در دفعه بیخ نهاده
 راست و آن در روز رستاخیز عین کالبد زنده می شود یا مانده دیگر نیست
 اشاره درین باب فرمائید پرسش هشتم اینکه چون را شو زر تش است
 اسفناک را پس بیزدان هیرید آموده یا باز را کسان فرود آمده و درین
 کتی هیرید اشند و اول کار بر شنوم چکوند پیدا شدند
 پرسش هم اینکه چون دستوران ایران زمین در باب آهرمن نوشته
 قرستاده زندگ آهرمن دروند با پیدا شیش آهرمنی در یوم رستاخیز نیست
 و نایود خواهد شد در زنرا درستا نیز شنی بمعنی چنان نوشته چنان
 شده راست که آهرمن دروند پشیان خواهد شد و از نصیحت بین این راسفند

دین نیزدان را قبول خواه کرد آن فقط نیزشته ایست بیان و
 فس. علی‌الله دید. به دلیل فضادیعیت. سخنی سه.
 سخنی و سی. ملک‌الله عیاد. سوس. علی‌الله عیاد.
 سخنی و سی. سلک‌الله. علی‌الله عیاد. ملک‌الله عیاد. سخنی
 و سخنی. ملک‌الله عیاد. سخنی و سخنی. درین باب بزرگان
 پستین که نیام بتن مرده که لفظ موده اند پرسش دهم اینکه کسی
 در هفت کشور زین پادشاه می‌شود بنابراین خدا بتعالی کسی پادشاهی
 نمیدهد چرا که اور هر کار توانا و قادر است و هرچه میخواست میکند
 راهی میخواهد میکند و پس پادشاه عادل و ظالم را هر دو کس خواهد میکرد
 یا آنکه ظالم را کسی دنبه دیگر است مثل افراسیاب و خسیاک آن
 هر دو پادشاه ظالم بودند و این پادشاهی را زکر یافت راز معنی زندو

العن

از استاد معلم فرمایند که خاطر اینجانبان بی شود پرسشی یازدهم اینکه
 چون مرد برشنوم کاست و بیخواهد کسی دیگر را برشنوم نباشه بدهد
 و برشنوم کن و برشنوم کسی هر دو برشنوم کاه رفته اینجا شب مرد برشنوم
 کن خود را غسل کرکنند بعد از برشنوم کنند یا همیش از برشنوم درین باب
 رعلام فرمایند قبل ازین نیاز نامه هنوز که بجز دستورالله در اشتایقین
 که بینظر کیمیا اش در آمده باشد لهذا امید میدارد که نوعی کرم و مهر باشی
 پرسنسته از حقایق احوال فرع فال علمی نموده بخدمات و رجوعی اینجانب
 سفر روز و ممتاز فرمایند زیاده نوشتن ترک ادب است آنی تا ادوار
 لیل و نهار بوده پائینده مستدام باد برقرار کارکار باشند بر عالم عالیان
 آدم آدمیان مبارک و سعد باد بحق الحق زلات است اسفناک
 تحریر فی التاریخ العاریخ روز اول ادریزد امن اسفند و ماه مبارک از داد
 ماه قدری ^{۱۸۹} شنسته یکهزار و هشتاد و سه بزرگردی وزیرست و یکم شهیر محروم الحرام

شانه هجری یک هرگز مادر نکند به نیکی یاد شنام اور در جهان به نیکی باره
هر کس کر زما سلام جو دید یک کاغذ هم را مدام کو دید که آرزوه مند دیدار
جهان و دل محسب الشناق کاتب الاتنا الحروم بہرین منوچهر ولد

بہرین رسم دشنجی بہرام که قبول افتد زیست عزو شرف
آرزوه مند دیدار فرخنده آثار دستور مانک مهر نوش
آنچه
آرزوه مند دیدار زیر پدر دار ارباب فریدون دعای تحسیات فی مایاب مطاف
الستاقدیدار قدر دان طلب بیر بور رسم بیر بور خوشیده بیر بور اسعنده بیا
سکن قصبه فرضنده در بند رسرورت تخریب ریافت در مالت پماری تلمی شد
است رواد از نز

ستاقدیدار بہرین دار ارب بہرام
آرزوه مند دیدار بہرین ناهاز بهای بیم جی

تمام شد این نامه که روز پندر و سیستان با ایران فرستاده بود در باب پرسش
 دین و نقاشی در کتابخانه ملایفیر وزارت ازان نقل کردم کاتب و مالک
 این ایرج دستور سپهاب جی بن دستور کاوسی جی هبری را ناگزرا
 بهرام بناه تیز سنه یکهزار و دوصد و چهل و سه نیز در جردی ۳۳۰۰

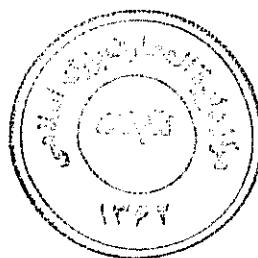


Rana.

The ms has been described in detail by B. N. Dhabhar Descriptive catalogue of all mss...Meherji Rana Library - Navsari, Bombay 1923, 15-17.

Kaikhusroo M. JamaspAsa

the page on white and blue paper. It contains a collection of miscellaneous texts, a number of them in Gujarati, the majority of which have not been published in the present edition. The texts included here are the ritual of the Nirangdīn, the Pahlavi colophon found at the commencement of the Yasna in the ms of Hoshang Shiavax, the implements used by priests, warriors and husbandmen, the implements used in the Yasna ritual, ceremonial preparation of the water (āp-zōhr) and the ritual cleaning of the Haoma twigs, nīrangīhā i urvisgāh (ceremonials preparatory to the Yasna ritual) and a letter addressed to the Dasturs of Iran by the Dasturs and laymen of India on the day Hormazd month Amardad, A.Y. 1089 (=A.C. 1720). All the texts, which have individual colophons appended to them, have been transcribed by Dastur Eruchji Sohrabji Meherji



I n t r o d u c t i o n

F23 in the collection of manuscripts presented by Dastur Eruchji Sohrabji Meherji Rana to the First Dastur Meherji Rana Library, Navsari. The ms (20.5x15 cms) contains 212 pages generally written 10 lines to

Corrigenda to English Introductions

Serial No.	Ms.	Page	Line	Incorrect	Correct
2	R410	1	9	by him	by him for
		1	15	N.Y.	A.Y.
		2	4	1-22	§§1-22
		2	6	pp.	p.
		2	9	to	of
		2	21	and	und
3	D7	1	2	33.6x21.cms	33.8x21.4 cms
		1	4	Fium.	Fiume!
		1	18	Pahlaci	Pahlavi
		1	22	writen	written
		1	23	nimbered	numbered
		1	27	ma	ms
		1	29	90 7	9057
		2	1	Bomby	Bombay
		2	6	hte	the
		2	23	Bombay, July delete 12,1975.	
7	J4	1	3	218	216
		2	1	202-218	202-216
		2	3	Framars	Framarz
8	J3	1	3	112	113
		1	19	1-3,5	1-3,45
		2	1	pp.89-112	pp.90-113
9-10	D10a	1	4	and	and contains 744 pages,
11	TD28	1	4	Page	Pages
		2		Maikhushroo	Kaikhushroo
14-15	R115	1	29	or	of
		2	26	amongest	amongst
16	J2	1	3	299	305
		1	19	Hanzangrem	Hazangrem
		1	24	versian	version
		1	26	23	§23
		1	33	25-28	§§25-28
17-18	R413	1	10	Meher	Mohor
23	R411	1	25	1889	1896
24	MU27	1	7-8	versians	versions
		2	3	Paris	Parsi
25	T65(a)	1	14-15	Kaurshed	Khurshed
26	MU29	1	5	158	161
		1	8	109	112
		2	1	millenium	millennium
		2	10	fo	of
28	T3	1	1	t	to
		2	10	hous	house,
29	D39	1	7	vovers	covers
		2	11	Tehen	Then
31	F25	2	4	158,1.7-12:	157,7-12:
		2	24	217,1.3-218	217,8-218
32	F11	1	18	cophist	copyist
		2	2	abbreiciated	abbreviated
33	D3	1	1	of	is
		2	1	32-38,3	32-78,3
		2	16	Xaxvan	Saxvan
		2	21	text	texts
		3	6	149,6	139,6
		3	14	modle	model
34	F35	1	1	Mehrji	Meherji
		1	5	of	of the
		1	5	116	115
38	MU35	1	2-3	Meherbai	Meherbai N. Dordi

Printed by Pahlavi University Press in Shiraz.
1976 .

The Pahlavi Codices and Iranian Researches

Manuscript F 23

NIRANGDIN, IMPLEMENTS
USED BY PRIEST, WARIORS AND
HUSBANDMEN, PREPARATION
OF AP-ZOHR. ETC.

Edited by :

Dastur Dr. Kh. M. Jamasp Asa

Professor Mahyar Nawabi

With the technical assistance of

Dr. M. Tavousi



Published by the Asia Institute of Pahlavi University

36

Shiraz 1976